مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

درآمدی بر جنبش نرم‌افزاری

ابوذر رجبی



بسم الله الرحمن الرحیم

در آمدی بر جنبش نرم افزار ی

نویسنده:

ابوذر رجبی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در آمدی بر جنبش نرم افزار ی

مشخصات کتاب

سرشناسه : رجبی، ابوذر، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور : در آمدی بر جنبش نرم افزار ی / ابوذر رجبی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۸۱ ص.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۰۶۸-۴ :

موضوع : سیاست علمی -- ایران

موضوع : تحقیق و توسعه -- ایران

موضوع : اسلام و علوم

موضوع : تحقیق و توسعه

موضوع : نوآوری

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : Q۱۲۷ /الف۹ ر۳ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۳۰۳/۴۸۳۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۴۹۷۵

ص:۱

اشاره

درآمدی بر جنبش نرم افزاری

کد: ۱۱۹۸

نویسنده: ابوذر رجبی

ویراستار: ذوالفقار ناصرپور

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۵۰۰

بهاء: ۱۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۴-۶۸-۷۸۰۸-۹۶۴ ISBN: 964-7808-68-4

ص:۲

دیباچه

مدتی پیش سخنانی لطیف، هوشمندانه و پر از امید و اراده، گوش مجامع علمی ما را نوازشی دوباره داد. این سخن به گوش ها اکتفا نکرد و به جان و ذهن اندیشمندان رسید. آری نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری، برای بعضی ها تازگی داشت، برای برخی سؤال انگیز بود و برای برخی حرف دل و دغدغه سال ها سکوت و برای برخی امیدزا و موج آفرین؛ جنبش نرم افزاری یا جنبش تولید علم و نظریه مدعی است که باید یک خیزش جدید و یک فراخوان عمومی در نسل آماده و آشنا به فرهنگ انقلاب آغاز شود. این اینده نباید تنها در لایه نخبگان و اساتید حوزه و دانشگاه بماند بلکه باید در سطح بدنه حوزه و دانشگاه و فرهنگ سازان مطرح شود و گام اول توجه نخبگان و جامعه علمی به ساخت نظریه هاست. نهضت نرم افزاری آن طور که مقام معظم رهبری در صحبت هایش فرمودند همان نهضتی است که منجر به تولید علم شود یعنی کشور ما و دانشمندان و متفکرانش بتوانند با اتکاء به خود در ایجاد یک حرکت علمی موفق اقدام کنند همان گونه که در زمان آن تمدن بزرگ اسلامی ابن سناها خود پایه گذاران علم بودند و حرکت علمی جدیدی را در دنیا پایه گذاری کردند. مقام معظم رهبری در تاریخ ۸/۸/۱۳۸۲ فرمودند: مسئله تولید علم فقط مربوط به علوم پایه و تجربی و... نیست بلکه شامل همه علوم از جمله علوم انسانی است ما به خصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می رفت و توقع بود،

حرکت متناسب و خوبی نکرده ایم. بلکه مفاهیم گوناگون جامعه شناس و سیاست را به شکل وحی منزل و از مراکز و خاستگاه های غربی گرفته ایم و به صورت فرمول های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده ایم و بر اساس آن می خواهیم عمل و برنامه خودمان را تنظیم کنیم. گاهی این فرمول ها جواب نمی دهد و خراب درمی آید، خودمان را ملامت می کنیم که ما درست به کار نگرفته ایم در حالی که این روش غلطی است. اکنون با ندای رهبر معظم انقلاب موجی تازه در آزاداندیشی و مصمم به وجود آماده، آنان که به استعداد و توانایی خود ایمان دارند و سکان اراده را به کار می گیرند، بی شک اگر این موج ها در جهت درست خود هدایت شود، موج هایی تازه می آفرینند و همه عرصه های علمی و فرهنگی داخل و خارج را تحت شعاع خود قرار خواهد داد. این موج تا آنجا پیش خواهد رفت تا بار دیگر حوزه و دانشگاه ما در صف مقدم تمدن سازی و رشد علوم و تولید فن آوری و فرهنگ قرار گیرد و آن روز دیر نیست. اینک در همین راستا، ره توشه ای توسط پژوهشگر ارجمند جناب ابوذر رجبی آماده گردیده باشد که مورد استفاده و بهره برداری بهینه اصحاب رسانه و فرهنگ سازان مصمم قرار گیرد.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۸

پیش گفتار

ضرورت بحث از تولیـد و گسترش علم در کشور، مسئله آزاداندیشـی و زمینه سازی هـای منـاسب برای بیان نظریه ها و طرح دیـدگاه هـای علمی و نیز پرسـش هـای جدیـد، همواره مورد توجه و تأییـد انقلاب اسـلامی بوده است و اصولاً نظام جمهوری اسـلامی بر آن اسـتوار بوده و هست. حضـرت امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری، بارها بر ضـرورت تحول روش مند و هدف مند در عرصه پژوهش های علمی تأکید کرده اند. رهبر انقلاب در بهمن ماه سال هشـتاد و یک، در نشـستی با اهل قلم، بر تولیـد علم و آزاداندیشـی تأکیـد معناداری داشت. ایشان در همان جلسه، توسـعه حقیقی فرهنگ، اندیشه و علم را در درجه اول، به اسـتفاده صـحیح از نعمتِ آزاداندیشـی مربوط دانست. در پی سـخنان رهبر انقلاب، شـماری از فرهیختگـان و نخبگان حوزه علمیه قم، در نامه ای به ایشان، بر جامع نبودن نرم افزارهای تولیـد شـده برای نظام سازی و جامعه پردازی تأکیـد کردند. نویسـندگان در ادامه، ضـرورت فراهم بودن و تضـمین شـدن فضای مناسب را به عنوان پیش نیاز ضـروری تولیـد نرم افزارهای مورد نیاز خواستار شدند.

مقـام معظم رهبری در پاسـخ به نـامه نخبگـان حوزه، بـا تمـامی مضـمون نامه آقایان موافقت کرد و منشور جنبش نرم افزاری و تولید علم را در کشور صادر فرمود. ایشان در این منشور، راز ماندگاری انقلاب اسلامی را تحولِ عمیق در عرصه های علمی و پژوهشی دانست. ازاین رو، موضوع جنبش نرم افزاری به عنوان سیاست راهبردی جمهوری اسلامی، اهمیت بسزایی

ص:۹

دارد و فرهیختگان جامعه علمی باید در نهضت علمی کشور تلاش خستگی ناپذیری انجام دهند.

متأسفانه تاکنون کار جامعی درباره این موضوع صورت نگرفته است. در این نوشتار بر آن شدیم تا مسئله جنبش نرم افزاری را به عنوان دکترین جدید نظام و ادامه بحث های انقلاب فرهنگی بررسی کنیم. همچنین آسیب ها و آفت های پیش روی این جنبش و موانع توسعه علمی در کشور را بیان می کنیم و با اشاره به راه کارهایی در این زمینه، نقش رسانه را در تولید علم و جنبش نرم افزاری برمی شماریم.

ص:۱۰

فصل اول: کلیات

ضرورت جنبش نرم افزاری

جنبش نرم افزاری، اساس تمدن سازی اسلامی است. تا این نهضت رخ ندهد، ما همچنان در بعد علمی و فن آوری، وابسته باقی خواهیم ماند.

ازاین رو، سنگ بنای ایجاد تمدن بزرگ اسلامی در عصر حاضر، جنبش نرم افزاری است. در بخش ضرورت این جنبش، هم ضرورتِ عینیت تاریخی و هم اهمیتِ توسعه علمی، هر دو مهم است.

همان گونه که هر انسانی هویت مشخصی دارد و خواهانِ حفظ آن و همواره نگرانِ آن است، در حوزه تمدنی نیز همین گونه است. هر ملتی، هویتی به نام تمدن دارد. همان گونه که در زمینه هویتِ شخصی، هر فردی خواهانِ حفظ هویتِ خود است، در بُعد تمدنی نیز هر ملتی خواهان حفظ تمدن بومی خود است. نیاز به حفظ تمدن بزرگ اسلامی، دغدغه ای بود که گروهی از حوزویان را بر آن داشت تا در نامه ای به مقام معظم رهبری، این مهم را بیان دارند.

رهبر انقلاب نیز در پاسخ به نامه حوزویان، دُکترینِ جدیدی را برای این برهه از انقلاب اسلامی مطرح کرد. آنچه سبب افزایش اهمیتِ این جنبش می شود، طرح فلسفه جدیدی برای انقلاب است. البته انقلاب اسلامی از همان آغاز، برای ایجاد تمدن بزرگ اسلامی و تحول اساسی در نظم نوین جهانی شکل گرفت، ولی با توجه به اوضاعی که این انقلاب نوپا از سر

گذراند، این اساس نامه فرهنگی انقلاب؛ یعنی جنبش نرم افزاری در این زمانه به صورت رسمی مطرح شد. در واقع، طرح این دکترینِ جدید، خواست طبیعی شرایط داخلی و جهانی انقلاب ماست.

اهمیت جنبش نرم افزاری

با توجه به شرایط حاکم بر جهان و منطقه و شکل گیری انقلاب اسلامی، اهمیت پرداختن به مسائل بنیادینِ علمی افزایش می یابد. بحث های جنبش نرم افزاری، تولیدِ جدیدی برای انقلاب اسلامی است. این موج جدید، هم انقلاب اسلامی و هم علم شناسی را در حوزه و دانشگاه ـ به ویژه در حوزه علوم انسانی ـ با مسائل تازه ای روبه رو می سازد. در اینجا به شرایط چند دهه اخیر در کشورمان اشاره می شود تا اهمیت تولید علم در انقلاب اسلامی روشن شود.

کشور ما جامعه ای سنتی است که از نرم افزارهای ویژه ای در حوزه های گوناگون بهره مند بود. با این حال، جامعه پیش از انقلاب با مشکل های گوناگونی دست و پنجه نرم می کرد. نظام حاکم بر آن نیز نظام پادشاهی و استبدادی محض بود. همچنین با شرایط جدید جهانی، دغدغه ای جدّی برای جامعه سنتی ایران پیدا شد که همانا آشنایی با پدیده مدرنیسم بود. اندیشمندان داخلی در رویارویی با پدیده غرب، به اندیشه تحول در ساختار حاکم بر کشور افتادند.

پرسش جدّی نیز این بود که با کدام نرم افزار می توان نظام مدنی جدیدی را پی ریخت؟ در پاسخ به این پرسش، چند دُکترین مطرح شد که دو دکترین سنّت گرایی و تجددگرایی نتوانستند راه به جایی ببرند. دراین

میان، حضرت امام خمینی رحمه الله، دکترین جدیدی را بر اساس کتاب و سنت، در اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آلهمطرح کرد. اندیشه حضرت امام خمینی رحمه اللهو شاگردان آن بزرگوار، به ویژه استاد _مرتضی مطهری _رحمه الله در زمینه تحول، از دو بخش شکل می یافت.

بخش اول، نرم افزار براندازانه بود که اصالت اسلامی نیز داشت و هدف آن، براندازی حاکمیت استبدادی بود. بخش دوم، مرحله تمدن سازی بود. این نرم افزار در مرحله براندازانه، پیش از قیام حضرت امام خمینی رحمه الله، در میان افرادی مانند _سیدجمال الدین اسدآبادی،_ _اقبال لاهوری _و عالمان مشروطه خواه مطرح بود، ولی حضرت امام با نگرش نو و جامعی که از دین مبین اسلام داشت، توانست نظامِ استبدادی را سرنگون سازد و دکترین جدیدی را به نام جمهوری اسلامی با حاکمیت ولایت فقیه، در عرصه جهانی مطرح کند.

پس از مرحله براندازی، نظام مقدس جمهوری اسلامی چندین مرحله را پشت سر گذاشت. در پایه گذاری اصول، با تدوین قانون اساسی، موفقیت های اولیه به دست آمد. از همان آغاز، بحث انقلاب فرهنگی و تمدن سازی و اصلاحات نیز مطرح بود، ولی متأسفانه به دلایل فراوانی مشکلات این مرحله نتوانست شکل بگیرد. دوران جنگ هشت ساله نیز با اجرایی شدن نرم افزارهای شیعی ؛ یعنی بحث ایثار و شهادت و مانند آن، کاملاً با موفقیت سپری شد.

در مرحله پس از جنگ که بازسازی اقتصادی و اصلاحات سیاسی در کشور بود، موفقیت هایی به دست آمد، ولی ضعف های جدی در این مرحله

به چشم می خورد. اساسی ترین این ضعف ها، الگوبرداری نامناسب از نرم افزارهای سکولاریستی و مدرنیزاسیون غربی بود که در ساختارهای اقتصادی و سیاسی ما راه یافت. البته جدای از این ضعف ها و کاستی ها، کارهای مهم و اساسی در زمینه های سیاسی و اقتصادی در کشور صورت گرفت.

پس از سپری شدن این مراحل، انقلاب اسلامی در مرحله ای قرار گرفت که ضرورت طرح دکترین جدیدی برای انقلاب اسلامی مهم می نمود. با توجه به همین ضرورت، مقام معظم رهبری، بحث جنبش نرم افزاری را مطرح کرد. این مرحله، همان مرحله تمدن سازی است. البته این مرحله جدید از انقلاب اسلامی، در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی ایران ریشه داشته و انقلاب اسلامی با همین هدف شکل گرفته بود، ولی با توجه به مطالب پیش گفته، ضرورت طرح آن در این مرحله از انقلاب جدّی به نظر رسید.

جنبش نرم افزاری و تمدن سازی

پس از آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تمدن اسلامی را پایه گذاری کرد، تمدن و فرهنگ بزرگ اسلامی، در دوران حاکمیت دولت های مختلف اموی، عباسی، فاطمی، عثمانی و سلسله های ایرانی گسترش یافت. گذشته از ضعف های بسیار و دوران فترتی که در این تمدن بزرگ روی داد، در دوران معاصر، کشورهای اسلامی با بحرانِ فرهنگی و تمدنی روبه رو شده اند. این بحران تمدنی در سرزمین های اسلامی که استعمارگران و استکبار جهانی در آن نقشی اساسی دارند، همچنان به صورت جدی پی گرفته می شود. البته

در ایـن بحران، دیگر یـورش هـای نظـامی وجـود نـدارد که نمودهـای تمـدنی را درهم بشـکند، بلکه گـونه جدیـدی از بحران فرهنگی حاکم است که بنیادهای هویت فرهنگی را فرو می ریزد.

فرهنگ غرب، با تکیه بر سکولاریسم و اومانیسم، تمدنی ساخت و کوشید این تمدن را به هر شیوه ای بر تمام جهان، تحمیل کنـد. فرهنگ غرب، با نگاه سکولار واردِ جوامع اسـلامی شد و در نخستین گام، چندپارگی فرهنگی و هویتی را در سـرزمین های اسلامی پدید آورد. در این شرایط، انقلاب اسلامی ملت ایران، با این توطئه استکبار جهانی به مبارزه برخاست.

هـدف انقلاب اسلامی، تنهـا اسـتقلال و آزادی در مفهوم ساده اش نیست، بلکه همه این هـدف های مقـدماتی، وسیله انـد و اندیشه بلند امام خمینی رحمه الله، مقدمه ای برای ایجاد تمدن نوین اسلامی است. بر اساس این اندیشه والا، باید تمدنی بر پایه ارزش های انسانی و اسلامی شکل بگیرد که بتواند در مقابل تمدن سکولارِ غرب ایستادگی کند و حیات فردی و اجتماعی بشر را سامان دهد.(۱) از این رو، رسالتِ اصلی جنبش نرم افزاری، تمدن سازی است و تمدن سازی در راستای جامعه پردازی اسلامی است. در این میان، مسئله اصلی در تأخیر تمدنی، موضوع تولید دانش است.

۱- [۱] . درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، دفتر اول، مجموعه سخنرانی دبیرخانه نهضت آزاداندیشی، قم، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، صص ۱۳۸ _ ۱۴۰.

بنـابراین، جنبش نرم افزاری از یـک سـو بر چـارچوب هـای نظری انقلاب اسـلامی متکی است که روایت صـحیحی از اسـلام حقیقی به شمار می رود. از سوی دیگر، آرمان والای آن، ایجاد یک تمدن جدید اسلامی است که می خواهد در مقابل تمدن مادی غرب، تعریف جدیدی بیابد.

جنبش نرم افزاری و تولید علم و اندیشه دینی

در منشور مقام معظم رهبری، مأموریت اصـلی جنبش، تولید علم و اندیشه دینی دانسـته شده است. در بخش ضـرورت جنبش، بیان شد که ما باید به سوی ایجاد تمدن بزرگ اسـلامی گام برداریم؛ چون راز مانایی و ماندگاری هویت اسلامی ما در جهان معاصر، در ساخت این تمدن است.

در به کـارگیری پسونـد دینی برای علوم پایه و کاربردی، اختلاف نظر است، ولی در علوم انسانی این مسـئله بـدون هیـچ گونه مجازگویی ضـرورت دارد. جامعه دینی و تمدن اسـلامی زمانی شـکل می گیرد که هویت مستقلی داشته باشد و بخش اساسی یک تمدن در بُعد علوم انسانی است.

اگر در علوم انسانی تنها به ترجمه و تقلید از غرب بسـنده کنیم، هیچ گاه تمدن بزرگ اسـلامی شـکل نخواهد گرفت. دین که در تمـدن جدیـد غربی واپس زده شـد، می توانـد منبعی برای علم و به ویژه علوم انسانی باشد. اثرگذاری آموزه های دینی در ارائه نظریه های علمی، تعیین کننـده است. در معارف اسـلامی، به بسـیاری نکته پردازی های علمی اشاره شده است که باید با مطـالعه این معـارف، آنهـا را به صورت منبعی برای دانش بشـری معرفی کرد. البته این معـارف هنگامی در علوم انسانی به کار خواهند رفت که با

روش علمی، قابل ارزیابی باشند و به زبان علمی، عرضه شوند. در این زمینه، دو نوع، پژوهش لازم است:

اول ــ تدوین منابع اسلامی برای هر یک از علوم انسانی که با استخراج، طبقه بندی و تفسیر آن آموزه ها صورت می گیرد؛

دوم ــ بررسی علوم انسانی از نگاه اسلامی که پاک سازی این علوم از عناصر فرهنگی و ایدئولوژیک غیراسلامی، جدّی گرفتن معارفِ تجربی اسلامی، تلاش برای رفع تعارض و هماهنگ کردن این علوم با معارف اسلامی، بخشی از این برنامه است.(۱)

نکات اساسی در نامه فرهیختگان حوزه

اشاره

در بهمن ماه سال ۱۳۸۱ خورشیدی، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اهل قلم، بر ضرورت آزاداندیشی و زمینه سازی مناسب برای نظریه پردازی ها و طرح دیدگاه های علمی و پرسش های نوپدید تأکید فرمود. همچنین ایشان یادآور شد که این امر باید با رعایت حرمت آزادی اندیشه و بیان علمی و رعایت آداب گفت وگو در فضایی کاملاً سالم و به دور از واپس گرایی، سیاست زدگی، خودباختگی و تقلید از غرب به انجام رسد و اصول اخلاقی پژوهش و منطق مناظره در آنها باید رعایت شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در آن دیدار، این وظیفه را بر عهده فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی دانست و فرمود:

ایجاد تحول در ارکان و بنیان های جامعه، معنای واقعی انقلاب و هدف

۱- [۱] . محمدفنایی اشکوری، دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷، ص ۴۳.

راهبردی و استراتژیک امام خمینی رحمه الله است. تغییر حکومت فاسد پهلوی، تنها مقدمه ای برای ایجاد تحول عمیق در زیربناهای فکری و فرهنگی جامعه بود و هیچ چیز نباید ما را از پی گیری این هدف منصرف کند... .(۱)

فرهیختگان حوزوی در نامه خود به مقام معظم رهبری، بر سه نکته مهم تأکید ورزیدند:

۱. کافی نبودن نرم افزارهای موجود برای نظام سازی و جامعه پردازی

امروزه انقلاب اسلامی مدعی پاسخ گویی به مسائل پیش روی بشر معاصر است و راه کارهایی را نیز برای آن ارائه کرده است. سکولاریسم و اومانیسم، داروی تلخی برای دردهای مزمن بشر امروز است و هرگز پاسخ گوی مشکلات انسانی نیست. ظهور انقلاب اسلامی، دین را به مانعی جدّی در مسیر سکولاریزه کردنِ همه امور تبدیل کرد و مسئله اصلی پس از انقلاب این است که ارزش ها و آرمان های انقلاب را باید چگونه محقق کرد؟

در پاسخ باید گفت برای تحقق آنها به نرم افزارهای خاصی نیاز است. نهضت اسلامی به رهبری امام و به پیروی از اسلام ناب محمدی، نرم افزارهای موجود را استخراج کرد و در بُعد سیاسی و در مرحله براندازی رژیم شاهنشاهی، از نرم افزارهای مناسبی بهره گرفت. در بعد اقتصادی نیز نرم افزارهای اسلامی موجود است و تنها باید این نرم افزارها با دیگر

۱- [۱] . نک: منشور آزاداندیشی و تولید علم، دبیرخانه نهضت تولید علم، معاونت پژوهش حوزه علمیه، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۹.

نظام های اقتصادی در دنیا بررسی شوند و در پایان، نرم افزار کاملی از اقتصاد اسلامی طرح ریزی شود. مرحله مهم و حساس نزد نخبگانِ جامعه، بحث انقلاب فرهنگی است. این بُعد از انقلاب نیز به نرم افزارهای خاصی نیازمند است. گرچه نرم افزارهای موجود، مطلوب و قابل استفاده هستند، ولی برای مقابله با هجمه تمدنی غرب، به تحول اساسی در نرم افزارهای موجود نیاز داریم. از همین رو، نسل دوم حوزه و دانشگاه که به این مهم پی برده اند، می کوشند راه کارهای اساسی برای تهیه نرم افزارهای جدید به منظور نظام سازی و جامعه پردازی ــ به عنوان دو رکن اساسی تمدن اسلامی ــ ارائه کنند. بازنگری و بازسازی نرم افزارهای موجود و ایجاد نرم افزارهای کارآمد، برای انقلاب ما بسیار مهم است و هر چه دیرتر به آن بپردازیم، فرصت سوزی بیشتر خواهد شد.

همان گونه که گفته شد، نفوذ فرهنگ سکولاریسم و اومانیسم غربی در جوامع اسلامی، بسیاری از مسلمانان را دچار بحران هویت کرد. در نتیجه، فرهنگ اسلامی یا استحاله گشت یا به انزوا کشیده شد. درست در همین شرایط، انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت و مدعی کارآیی دین در اداره جامعه شد، ولی امروزه پس از گذشت ربع قرن از تأسیس انقلاب اسلامی، برخی نرم افزارهای موجود برای این مهم کافی نیست. نخبگان حوزوی در این زمینه به رهبر انقلاب چنین نوشتند:

... گرچه پیشرفت های مهمی در بیست و چهار سال گذشته، حادث شد و حوزه و دانشگاه، رشد غیرقابل انکاری داشته اند، اما روشن است که این مقدار، برای کاری که در پیش است و برای برداشتنِ موانع بعدی از سر راه نظام سازی و جامعه پردازی هرگز کافی نبوده و این موجودی در برابر سیل

ترجمه و هجوم رسانه ای غرب و کمیت بالای تولید و تبلیغِ آن در حوزه فکر و اخلاق و حقوق و حکومت و در فرهنگ زندگی و خانواده و اقتصاد و حتی روش تغذیه و لباس، به قدر کافی، کاری از پیش نخواهد برد و در دراز مدت، برخی دستاوردهای پیشین نیز با خطر ارتجاع به فرهنگ و وابستگی پیش از انقلاب مواجه خواهد بود... .(۱)

۲. ضرورت فراهم ساختن فضای مناسب برای تولید نرم افزارهای مورد نیاز

لازمه جنبش نرم افزاری و تولید علم، حرکت در مرزهای دانش و رقابت با دنیا در تمام عرصه های علمی و پژوهشی است. اگر نخبگان در همه عرصه ها وارد نشوند، از گروهی اندک نمی توان انتظار معجزه داشت. اگر فضای لازم برای تولید دانش فراهم شود و حمایت همه جانبه از آن صورت گیرد، افراد، ورود به این عرصه را مخاطره آمیز نخواهند دانست. در بخش موانع و راه کارها، بیشتر به این مهم خواهیم پرداخت. متأسفانه نبود حمایت لازم از نخبگان فکری و حرمت گزاری به آنان سبب شده است تا دانش و پژوهش جایگاه مناسبی نداشته باشد. باید به پروژه های علمی و پژوهشی ارج نهاد و با مدیریت وساماان دهی لازم، نخبگان علمی جامعه را به این گونه فعالیت ها علاقه مند کرد. به ویژه در حوزه علوم انسانی، این کار باید از دریچه مناظره علمی آغاز شود.

در این راستا، بررسی تنگناهای نرم افزارهای موجود، ضروری است. با توجه به همین مهم، نخبگان حوزه در بخشی از نامه خود، یکی از عوامل

۱- [۱] . همان، ص ۱۲.

اصلی زمینه ساز برای جنبش نرم افزاری را سالم سازی گفت وگوهای علمی و ایجاد فضای مناسب برای مناظره های علمی دانسته اند:

یکی از عوامل اصلی زمینه ساز برای تولید علم و نظریه و نهضت نرم افزاری، همانا سالم سازی گفت وگوها و سپس تضمین بقای این فضای سالم و علمی برای مباحثه و گفت وگوست؛ زیرا آن گاه که تعادل در کار نباشد، جامعه علمی و فرهنگی ما در نوسانِ بین سکوت و هرزه گویی خواهد پژمرد. حوزه و دانشگاه برای رشد، به فضایی دور از افراط و تفریط نیازمندند که در آن، از سوءظن، بدبینی و ضیق صدور، از کفرگویی و بی ادبی و حریم شکنی خبری نباشد؛ فضایی باز و اسلامی که در آن نه به محض شنیدن فکر تازه، به یکدیگر تهمت و افترا بزنیم و نه تحت عنوان نواندیشی، مرزهای حقیقت و فضیلت را برچینیم و ترک اصول کنیم.(۱)

۳. جبران کمبودهای نرم افزاری

متأسفانه در جامعه ما، هنوز دغدغه های تولید علم و اندیشه، فراگیر نیست. زمینه ها و موضوع های بسیاری است که نیندیشیده باقی مانده اند. امروزه به جای تفکر و پژوهش، بیشتر به ترجمه می پردازیم. باید توجه داشته باشیم که گرچه ترجمه نیز ضروری است، ولی ارتباط با دیگران نباید به بسته شدن نوآوری های فکری بینجامد. باید با نگرش جامعه شناختی و روان شناختی، عوامل نبود تولید علم و اندیشه و رضامندی به تقلید از دیگران را بررسی کرد.

دل سوزان به هویت ملی و دینی، از وضعیت علمی و پژوهشی جامعه، چندان خرسند نیستند. از همین رو، این درد، برخی دل سوزان را بر آن

۱- [۱] . همان، ص ۱۳.

داشت تا در نامه ای به رهبر انقلاب، خواهان جبران کمبود نرم افزارهای علمی شوند. در بخشی از این نامه آمده است:

از حضرت عالی ... می خواهیم که در این زمینه، عملاً- نیز راهنمایی و مساعدت بفرمایید تا شاید با یک بسیج عمومی و حمایت نهادینه ازسوی تصمیم گیرانِ فرهنگی و متصدیان محترم حوزه و دانشگاه، در جهت ایجاد کرسی های آزاد علمی، با حضور هیئت های منصفه علمی و تخصصی و در محضر وجدان عمومی حوزه و دانشگاه، شاهد طرح منطقی ایده ها، رواج بازار نظریه پردازی و نوآوری روش مند و نیز مناظره های علمی و قانون مند و نتیجه بخش و فارغ از غوغاسالاری و نهادسازی برای اجابت پرسش های جدید و در نتیجه، تولید نرم افزار علمی و دینی در حوزه و دانشگاه بیش از قبل باشیم... .(۱)

فقر نرم افزاری یا ضعف مدیریت نرم افزاری

برخی معتقدند گرچه نمی شود فقر نرم افزاری موجود را انکار کرد، ولی دست کم نمی توان به انبوه نرم افزارهای تولید شده در طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام و به ویژه تاریخ تشیع بی توجه بود. نبود مدیریت صحیح در این عرصه، به ویژه در عصر انفجار اطلاعات، بسیار آسیب زاتر از فقر نرم افزاری است؛ زیرا اول اینکه اگر در شرایط حاضر، همه نرم افزارهای مورد نیاز، یک جا و به آسانی در اختیار قرار گیرد، باز هم به دلیل نبود مدیریت درست نرم افزاری، در استفاده صحیح از مجموعه ارائه شده، ناتوان خواهیم بود. دوم اینکه تا نرم افزارهای تولید شده به درستی مدیریت نشود،

۱- [۱] . همان، ص ۱۵.

کمبودها به دقت مشخص نخواهند شد. در نتیجه، چه بسا در عرصه تولید نیز به دوباره کاری یا غفلت از کمبودها دچار شویم. ازاین رو، تکیه و تأکید بر مدیریت را بر تولید در جنبش نرم افزاری مقدم می دانند.(۱)

در مقابل این نگرش می توان گفت ضعف مدیریتی هم بخشی از مشکل است و انکارناپذیر، ولی مشکل نرم افزاری در کشور، دغدغه اصلی نخبگان فکری و مقام معظم رهبری است، نه ضعف های مدیریتی . رهبر انقلاب نیز در نامه خود فرموده است همت اصلی باید صرف روش مند و ضابطه مند کردن جنبش و مدیریت باشد و این تأکید بر ضعف مدیریتی است، ولی این، دغدغه اصلی ایشان نیست. در قلمرو راه کارها و اجرای نظام مند، مدیریت، نقش کلیدی دارد، ولی در بُعد نظری و معرفتی، مشکل اصلی و اساسی جامعه علمی ما ضعف نظام سازی و فقر نرم افزاری است. اگر نگرش ما در بعد نظری اصلاح شود، در بُعد مدیریتی هم با مشکل بسیار کمتری روبه رو خواهیم بود.

۱- [۱] . سلیمان خاکبازان، مقاله «تقدم مدیریت بر تولید در جنبش نرم افزاری»، مجله خبرنامه دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم، اسفند ۱۳۸۲، ش ۳، ص ۲.

فصل دوم: تولید علم

تعریف علم

از علم تعریف های گوناگونی شـده است. گاهی علم را به معنای مطلق دانش و آگاهی دانسته انـد. این اولین و ابتـدایی ترین معنـای علم است. در برابر این معنـا، جهل و نادانی قرار دارد. به عبارتی، علم، دانسـتن است و مقابل آن، ندانسـتن. علم در این معنا به همه علوم و دانش های بشری اعم از علوم حقیقی و قراردادی، علوم انسانی، علوم پایه و علوم تجربی گفته می شود. در زبان انگلیسی، معادل این معنا از علم، واژه Knowledge به کار می رود.

گاهی نیز واژه علم، تنها به دانسـتنی هایی گفته می شود که بر تجربه مسـتقیم حسی مبتنی باشد. علم در این معنا در برابر جهل قرار نـدارد، بلکه در برابر همه دانسـتنی هایی است که آزمون پذیر نیسـتند. اخلاق، متافیزیک، عرفان، منطق، فقه و اصول و...، همه از علم به این معنا بیرون هسـتند. ازاین رو، به این معنا غیرعلمی به شـمار می آیند. در زبان انگلیسـی، در مقابل این معنا از علم، واژه seience قرار داده می شود.(۱) مراد پوزیتیویست ها از

ص:۲۴

۱- [۱] . عبدالکریم سروش، علم چیست؟ فلسفه چیست؟ ، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۱، ص ۱۲.

علم، همان معنای دوم است. در بحث جنبش نرم افزاری و تولید علم، آنچه باید مورد توجه قرارگیرد، حوزه وسیع علم است که شامل علوم انسانی، پایه و تجربی می گردد.

تاریخ علم

شکل گیری دانش های مختلف، با فراز و نشیب های گوناگونی همراه بوده است. شناخت چگونگی شکل گیری و عوامل اثرگذار در آن، به گسترش فرهنگ یک جامعه کمک می کند تا مردم آن جامعه از این رهگذر، هم با گذشته تاریخی فرهنگ خود آشنا شوند و هم گام هایی برای آینده بردارند.

دکتر _احمد بیرشک _در مقدمه کتاب _سرگذشت علم_، در تعریف و اهمیت تاریخ علم چنین می نویسد:

تأثیر علوم در زندگی بشر چنان عیان است که به هیچ روی احتیاج به بیان ندارد. بدین سبب، امروز در جامعه های مترقی کوشش می شود همه مردم را با اصول علمی آشنا سازند. منتهی این امر [با] شدت و ضعف [همراه است] و به استعدادهای مختلف بستگی دارد. برای اهل فن، دقایق و رموز علمی گفته می شود و برای مردم عادی، علم را به صورت بسیار ساده درمی آورند تا مطابق فهم آنان شود، اما این کار که شاید به ظاهر آسان نماید، در حقیقت، بسیار دشوار است و درآوردن مطالب علمی به صورتی که برای کسانی که مایه علمی ندارند، قابل فهم باشد، ورزیدگی بسیار لازم دارد. مهم تر از آن، این است که در مردم، علاقه به مطالب علمی ایجاد شود و برای این کار، یکی از مؤثرترین عوامل، آشنا ساختن آنان به سیر تکامل علوم است. تاریخ علم در این راه خدمتی بسزا می کند. از این گذشته، تاریخ علم برای خودِ اهل علم هم بسیار نافع است و تازگی دارد؛

[هر چند] توجه لازم به تاریخ علم نشده است.(۱)

ــجرج سارتنــ، از بزرگ ترین خادمان به تاریخ علم،(۲) در تعریف تاریخ علم می گوید: «تاریخ علم عبارت است از مطالعه در توسعه و تکامل علم، از زمان پیدایش آن».(۳)

به طور کلی، می توان گفت تاریخ علم به شرح رویدادهای برجسته جوامع بشری و بخش های برگزیده ای از زندگانی افرادی می پردازد که در روند زندگی علمی و اجتماعی بشر تحول ایجاد کرده اند. مقایسه وضعیت علمی کنونی با اوضاع پیشینیان و راه یابی برای حلِ مشکلاتِ عصر حاضر، موضوعی است که با مطالعه تاریخ علم می توان به آن دست یافت.(۴)

نقش اسلام و ایران در تاریخ علم

بسیاری از اندیشمندان بنامِ مغرب زمین و خاورشناسان اعتراف کرده اند که علم در عصر جدید، از جهان اسلام اثر پذیرفته است. ــجرجی زیدانــ در این باره می نویسد:

عرب ها (مسلمانان) در مدت بیش از یک قرن، مطالب و علومی به زبان خود (عربی) ترجمه کردند که رومیان در مدت چندین قرن از انجام آن عاجز بودند. آری، مسلمانان در ایجاد تمدن شگفت آور خود در بیشتر

۱- [۱] . جرج سارتن، سرگذشت علم، ترجمه: احمد بیرشک، تهران، شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، مقدمه.
۲- [۲] . عبارت بزرگ ترین خادم در مورد جرج سارتن، از استاد بیرشک در ترجمه کتاب سرگذشت علم است.
۳- [۳] . سرگذشت علم، ص ۳۲.
۴- [۴] . بهرام خالصی، فرازهایی از تاریخ علم، مشهد، نشر گل آفتاب، ۱۳۷۸، ص ۸ .

موارد به همین سرعت پیش رفته اند. مسلمانان در علومی که در فهم و درک قرآن و سنت بدان ها نیاز داشتند؛ مانند علم قرائت، تفسیر، کلام، فقه، حدیث، نحو، صرف، معانی، بیان، بدیع، سیره نبوی و غیر اینها، نوآوری هایی داشتند و اگر هم اقتباس کردند، اقتباسشان ناچیز بوده است. همچنین علومی را که محصول تمدن آن روز و نتیجه زحمات ملل دیگر بود، از طبیعی و ریاضی و نجوم و طب و فلسفه و غیره برای خود ترجمه کردند و بر آنها افزودند.(۱)

علوم و فرهنگ اسلامی و به طور کلی تمدن اسلامی، به تدریج رشد کرد و بارور شد. جوشش و جنبش علمی مسلمانان در مکانی معین و از موضوعی خاص و به دست فردی مشخص آغاز شد. این جوشش از _مدینه_ آغاز شد. اولین متن هایی که اندیشه مسلمانان را به خود جلب کرد و آنان در پی فراگیری و آموزش آنها برآمدند، قرآن و پس از آن، احادیث معصومین علیهم السلامبود.

پس از مدینه، عراق، محیط جنب و جوشی علمی شد. در عراق، نخست، دو شهر _بصره و کوفه_، مرکز علم بودند، ولی پس از بنای شهر _بغداد_، آن شهر به مرکز علمی تبدیل شد. در بغداد، دانش های مردمان دیگر تمدن ها به عربی ترجمه شد. بعدها _ری،_ _خراسان بزرگ_، _ماوراءالنهر_، _مصر_، _شام_ و _اندلس_ به مهدهای علم و فرهنگ تبدیل شدند. پس به طور کلی، حرکت علمی و فرهنگی اسلامی از قرآن آغاز شد و به ترجمه انجامید.

ص:۲۷

۱- [۱] . همان.

درباره نقش آفرینان این حرکت، باید دانست بیشتر آثار علمی را غیر ایرانیان از خارج دنیای اسلام، نقل و ترجمه کردند، ولی بیشتر آثار اسلامی در علوم دینی و رشته های دیگر را دانشمندان مسلمان ایرانی پدید آوردند.

ادوارد براون در این باره می نویسد:

اگر از علومی که به اسم عرب معروف است، اعم از تفسیر، حدیث، الهیات، فلسفه، طب، لغت و تراجم احوال و حتی صرف و نحو و زبان عربی، آنچه را که ایرانیان نوشته اند، جدا کنید، بهترین قسمت آن علوم از میان می رود.(۱)

البته بحث در اختلاف و تمایز میان مسلمانان نیست، ولی حقیقت آن است که به گفته استاد مرتضی مطهری در کتاب _خدمات متقابل اسلام و ایران_، ایرانیان نقش فراوانی در توسعه دانش اسلامی داشته اند.

اوج تمدن اسلامی

به اهمیت پیشرفت های علمی در جهان اسلام اشاره شد. در ادامه، برای نمونه، به بیان گوشه هایی از این پیشرفت علمی و اوج تمدنی می پردازیم. نخست، اعتراف هایی را از برخی دانشمندان غربی در این زمینه می آوریم.

مونتگمری وات در کتاب _تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی _می نویسد:

به منظور ارتباط خوب با مسلمانان لازم است ما [اروپاییان] کاملاً به مدیون بودن خودمان به فرهنگ اسلامی اعتراف کنیم. سعی برای پنهان ساختن یا انکار آن، نشانه غرور و مباهات بی جا و غلط است... من مسلمانان را رقیبانی که به زور و سرزده وارد اروپا شدند، نمی دانم، بلکه آنها را نمایندگان یک تمدن با دستاوردهای بزرگ می دانم که به خاطر اعتبار و

۱- [۱] . همان.

منزلتشان، بر بخش وسیعی از کره زمین مسلط شدند و منافعشان به سرزمین های مجاور نیز جریان یافت.(۱)

گوستاولوبون نیز در این باره می نویسد:

ما در تاریخ، ملتی را سراغ نداریم که مانند اعراب و مسلمانان به این اندازه در دیگران تأثیر داشته باشند؛ زیرا تمام ملت هایی که به نحوی با آنها ارتباط پیدا کردند، تمدن آنان را پذیرفتند.(۲)

این نکته که اسلام در طول قرن ها، آفریننده یک فرهنگ پیش رو بوده، مطلبی است که از تاریخ فرهنگ انسانی به دست می آید. نفوذی که فرهنگ اسلامی در دانش هایی مانند ریاضی، شیمی، پزشکی و فلسفه اروپا داشته، بسیار است، ولی آنچه شاید خلاف انتظار می نماید، نفوذی است که فرهنگ اسلام در ادبیات اروپا داشته است و این بسیار اهمیت دارد.(۳)

شوق و علاقه ای که مسلمانان در دوران شکوهمندی امپراتوری اسلامی، به فراگیری و گسترش فرهنگ نشان دادند و توفیقی که در این راه یافتند، بی شک، عظیم است و کمتر از نبوغ قوم یونانی، خیره کننده نیست.(۴) چهره های برجسته جهان اسلام همچون _جابر بن حیان، یعقوب کندی، حنین بن اسحاق، ثابت بن قره، محمدبن موسی خوارزمی، محمد بن زکریا رازی، ابونصر فارابی، ابوالحسن مسعودی، ابن سینا، ابن هیثم_، _ابوریحان بیرونی،_ _مسلمه مجریطی، ابوحامد_

۱- [۱] . ویلیام مونتگمری وات، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ترجمه: حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۷۸، ص ۱۰.

۲- [۲] . گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدهاشم حسینی، کتاب فروشی اسلامیه، بی تا، ص۷۰۱.

۳- [۳] . نک: عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸، ص ۲۱.

۴- [۴] . همان، ص ۲۴.

ـغزالی، عمر خیام، ابن رشدـ، ـخواجه نصیرالدین طوسی،ـ ـقطب الدین شیرازی، ابن خلدون، شیخ بهایی ـو ـملاصدرا ـاز چهره های نام دار جهانی در عرصه های علمی به شمار می آیند.(۱)

شگفتی های علمی در جوامع اسلامی به برکت اسلام فراوان است. تنها برای نمونه، به مواردی می توان اشاره کرد. در قرطبه، کتاب خانه خلیفه وقت، بیش از چهارصد هزار کتاب داشته است. ابن رشد در آنجا تدریس می کرد و شاخه های علم ریاضیات در آنجا تدریس می شد. پیش از قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری) اساسا اعداد رومی معمول بود که صفر نداشت. دانشمندان مسلمان برای نخستین بار، صفر را معمول کردند و می دانیم که امروزه ریشه برنامه نویسی رایانه ای، صفر و یک است. اروپاییان روش های جدید مسلمانان را گرفتند و «الگوریتم» نامیدند. ریشه دانش الگوریتم از ـمحمد بن موسی خوارزمی ـ(در گذشته در سده نهم هجری) گرفته شد و می دانیم که خوارزمی یکی از افتخارآفرینان دانش در فرهنگ ایران اسلامی است. او افزون بر اینکه «زیج» را ابداع کرد، آثاری مانند کتاب ارزشمند ـالجبر و المقابلهـ در جبر و ریاضیات نوشت که تا قرن شانزده میلادی از منابع اصلی تدریس ریاضیات در دانشگاه های اروپایی بود.

دیگر دانشمند مسلمان، حکیم عمر خیام (متوفی سال ۱۱۲۱ م.) جبر ابداعی خوارزمی را تکمیل کرد و در زمینه ریاضیات جبری، آثاری از خود

۱- [۱] . سیدحسین نصر، علم و تمدن در اسلام، ترجمه: احمد آرام، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۹، مقدمه.

به یادگار گذاشت. ابن سینا، فیلسوف مشهور ایرانی، کتاب هایی را در طب نوشت که امروزه نیز در دانشگاه های غرب تدریس می شود.

جهان اسلام، دوره ای طلایی را پشت سرگذاشته است که در آن، علم به شکوفایی رسید و تمدن درخشانی پدید آمد. همچنین تردیدی نیست که غرب از میراث تمدن اسلامی، در بنای تمدن جدیدش در شاخه های مختلف علوم نظری، تجربی و صنایع، بسیار بهره برده است. با این حال، این یادآوری ها، تنها وظیفه ما را سنگین تر می کند. دل خوش بودن به گذشته درخشان اسلامی مان و یادآوری اثرپذیری تمدن جدید غربی از دانش و فرهنگ جهان اسلام، هر چند بیان حقیقت است، ولی به تنهایی، گرهی از گرفتاری های کنونی جهان اسلام را نمی گشاید. در وضعیت کنونی جهان، غربی ها در بسیاری از عرصه های علمی، فرهنگی، سیاسی و... بر ما چیره شده اند و ما عقب مانده ایم. تمام بحث از اینجا به بعد آغاز می شود و به قول علامه اقبال لاهوری : «پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟»

مبحث اصلی که باید سودمند و راه گشا باشد، همانا ایده جنبش نرم افزاری است.

فلسفه علم(۱)

فلسفه علم یکی از حوزه های به نسبت جدید معرفت بشری است که به بررسی ماهیتِ علم از نظر فلسفی و کاوش های نظری درباره نظریه های علمی می پردازد. به بیان دیگر، این حوزه معرفتی می کوشد به پرسش هایی

ص:۳۱

۱- [۱] . Philosophy of science.

از این دست پاسخ دهد که علم چه ویژگی هایی دارد؟ تمایز آن از غیر علم چیست؟ روش علمی کدام است که بنا بر ادعا، به نتایجِ ممتازی می انجامد؟

به گفته _لاکاتوش_، فلسفه علم، بدون تاریخ علم، تهی است و تاریخ علم بدون فلسفه علم، نابیناست.(۱) از عمر دانشِ نوپای فلسفه علم در کشور ما دیری نمی گذرد. فلسفه علم، بخشی از گنجینه سنتی درس های فلسفی است و مسئله مشروعیت آن به عنوانِ قلمرویی از مطالعاتِ فلسفی، فراتر از مسئله ای دانشگاهی است. تمایز میان فلسفه و علم، تمایزی به نسبت جدید در تاریخ اندیشه مغرب زمین به شمار می رود. همواره میان مسائل علم و فلسفه، رابطه نزدیکی وجود داشته است؛ حتی رابطه ای نزدیک تر از این دو حوزه معرفتی، در میان شخصیت ها برقرار بوده است. بدین سان که بیشتر شخصیت های نام دار علم، در فلسفه نیز شخصیت هایی نامور بوده اند. مهم ترین دلیل وجودی فلسفه علم از نظر فیلسوف، آن است که فلسفه علم اسوه تمام عیار برخی از مسائل برجسته فلسفی است.(۲)

_نیکلاس کاپالدی _در کتاب _فلسفه علم،_ فلسفه علم را قلمرویی تعریف نشده می داند و می نویسد: «اگر می خواستیم همه مسائلی را که ذیل این عنوانِ عام (فلسفه علم) مطرح شده اند، فهرست کنیم، این موارد را در برابر خود می یافتیم: ۱. مسائل ادراک حسی ؛ آیا ما واقعیت های فیزیکی یا داده های حسی را می بینیم؟ ۲. تاریخ اندیشه ها یا مفاهیم علمی ؛ ۳. پی آمدهای

۱- [۱] . نیکلاس کاپالدی، فلسفه علم، ترجمه: علی حقی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۷، ص ۱.
۲- [۲] . همان، ص ۱۵.

اخلاقی و دینی علم؛ ۴. پی آمدهای ما بعدالطبیعی علم؛ ۵. کوشش هایی برای وضع زبانی مشترک برای همه علوم؛ ۶. توجیه استقرا؛ ۷. فلسفه زبان و ریاضیات؛ ۸. نظریه تعریف؛ ۹. شأن قوانین و نظریه های علمی ؛ ۱۰. ارتباط علوم طبیعی و اجتماعی».(۱)

موضوع تمییز علم از غیرعلم، بحث مهمی در فلسفه علم است و این بحث، با بحث علم دینی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا اگر در واقع، ملاکی برای معقول بودن معرفتِ علمی در مقایسه با دیگر معرفت های بشری و مرزی برای تمییز علم از غیرعلم، وجود داشته باشد، علم دینی موردِ انتظار هم باید آن ملاکِ معقولیت را دارا باشد تا بتوان آن را به درستی علم نامید. همچنین باید برآمده از متون مقدس دینی باشد تا بتوان آن را با قید دینی، مقید و با صفت دینی، توصیف کرد.

ملاکِ این معقول بودن علمی چیست؟ مرز میان علم و غیر علم کجاست و چگونه و بر اساس چه ضابطه هایی معیّن می شود؟ اینها پرسش های دیرینه و پرمناقشه حوزه فلسفه علم هستند که از نخستین جریان های شکل گرفته در فلسفه علم همچون پوزیتیویسم منطقی، تا به امروز، همواره میان فیلسوفان علم مطرح بوده است.(۲)

۱- [۱] . نک: همان، ص ۲۸.

۲- [۲] . فصل نامه حوزه و دانشگاه، ش ۳۴، ص ۵.

ضرورت بحث فلسفه علم در جنبش نرم افزاری

جنبش نرم افزاری، هویت ویژه ای متناسب با نظام دینی در جمهوری اسلامی ایران دارد؛ به این معنا که جهت گیری خاصی بر آن حاکم است و برای ایجاد تمـدن جدید دینی، اهمیت ویژه ای می یابد. تفاوت میان جنبش نرم افزاری و روند علمی موجود در جهان، در دینی بودن جهت جنبش نرم افزاری است.

یکی از بحث هـای مهم در فلسـفه علم این است که آیـا مـا می تـوانیم به یـک علم تجربی محض دست یـابیم؛ به این معنـا که کاملاًـ برگرفته از طبیعت باشـد و هیـچ گونه ملاحظـات شخصـی، ارزشـی و بینشـی دانشـمند و گرایش های او در آن دخالت نداشته باشد.

پاسـخی که به این پرسش اساسی داده اند، این است که نمی توان به تصویر خاصی از علم تجربی دست یافت. امور بسیاری بر فرضـیه های علمی اثر می گذارند؛ فرضـیه هایی که بر اساس نظریه های ساخته و پرداخته ذهنیتِ خودِ ما هستند. این فرضیه ها بر اسـاس بینش و جهـان بینی مـا و نیز گرایش هـا و ارزش هایمـان سـاخته می شونـد. گـاهی نیز پـارادایم ها یا چارچوب های معرفتی بر ذهن ما اثر می گذارند و ساختار فکری ما را شـکل می دهند. این پارادایم ها می توانند تفسیرکننده داده های حسی ما باشند؛ پارادایم های ذهنی یک شخص مذهبی و قائل به جهان بینی توحیدی، در نوع نگاه او به علم اثرگذاری بسزایی دارد.

برای دینی کردنِ ساختار علم، لازم است فلسفه را به صورت نقادانه گسترش دهیم و آموزش فلسفه علم را عمومی کنیم؛ چون فلسفه علم می

تواند جنبش نرم افزاری را هدایت و رهبری کند.(۱)

شرایط و عوامل تولید علم

اشاره

شرایط گوناگونی در تولید علم نقش دارند. در ادامه، به چند عامل اصلی اشاره می کنیم.

۱. شجاعت علمی

جرئت و شهامت در بیان نظریه، از ارکان مهم در تولید نظریه است. متأسفانه فرهنگ علمی ــ پژوهشی رایج در کشور ما، چه در حوزه و چه در دانشگاه، به دانش پژوهان میدان نمی دهد و آنها را از درگیری تنگاتنگ با مسائل می ترساند.

بدون بحث و جدل نمی توان به فکر جدیدی دست یافت. البته در این میان از آفت جدال باید پرهیز کرد، ولی نباید تنها به رابطه مرید و مرادی میان استاد و دانشجو قانع بود. باید در کنار رعایت ادب، نظریه های علمی نیز مطرح شود. تولید فهم جدید به روحیه جسورانه علمی نیاز دارد.(۲)

۲. حمایت های مالی و معنوی از دانش آفرینان

در کشور ما سرمایه گذاری های زیادی صورت می گیرد، ولی بسیاری از آنها صرف تقویت کلیشه ها می شود. هرچند حمایت هایی از مؤسسه های علمی و دانشگاه ها صورت می گیرد، ولی این ساز و کارها، منطقی و هدایت شده نیست. باید هزینه ها در جریان تولید علم به مصرف برسد،

۱- [۱] . روزنامه سیاست روز، ۹/۲/۱۳۸۲، گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین هادی صادقی.

۲- [۲] . درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، دفتر اول، ص ۹۷.

پروژه هـای علمی تقویت شونـد و از نوآوران علمی، فکری و فنی در عرصه هـای مختلف، حمایت های همه جانبه ای صورت گیرد تا بدون دغدغه خاطر به کار تولید علم بپردازند.

۳. انگیزه آفرینی

تولیـد دانش، ماننـد هر کـار دیگری، به ایجـاد انگیزه کـاری بسـتگی دارد. تنهـا انسان های باانگیزه می تواننـد به موفقیت های بزرگ برسـند. بی انگیزگی، چنان انسان را بی نشاط می کنـد که حتی از کارهای مورد علاقه اش نیز باز می مانـد. کسـی که می خواهـد به تولیـد علم و نوآوری هـای علمی و فنی دست بزنـد، بایـد انگیزه چنین کارهـای سـختی را در خود احساس کند وگرنه هرگز نمی تواند به کارهای دشوار اقدام کند و پی آمدهای گاه تلخ آن را به جان بخرد.(۱)

باید با الگوگیری از بزرگان دینی و دانشـمندان گذشـته جهان اسـلام که با تحمل سـختی های بسـیار به کارهای بزرگی دست زده انـد، در خود انگیزه بیـافرینیم و زمینه هـای تولیـد علم را بر خود هموار سـازیم. عامل انگیزه جنبه روان شـناختی دارد. اگر جامعه ای مـدرک گرا باشـد، تولیـد علم در آن به سـمت سـطحی گرایی پیش می رود، ولی اگر انگیزه جامعه پیشـرفت باشد، تولید علم نیز در جهت توسعه همه جانبه کشور سامان خواهد گرفت.

ص:۳۶

۱- [۱] . همان، ص ۱۰۲.

باید دانست عوامل دیگری نیز به عنوان شرایط تولید علم مطرح هستند که آنچه در فصل آسیب ها و راه کارها اشاره خواهد شد، بخشی از همین شرایط است.

تولید علم دینی

از اوایل انقلاب، بحث امکان یا عدم امکان علم دینی در میان اندیشمندان جامعه اسلامی مطرح شد. البته این موضوع، به جامعه اسلامی ما اختصاص ندارد و در میان اندیشوران غربی نیز مطرح بوده و هست. این بحث به دلیل مشکلاتی در اوایل انقلاب، به طور جدّی دنبال نشد، ولی امروزه با طرح نظریه جنبش نرم افزاری باید بدان پرداخت و کار نیمه تمام را تمام کرد.

مفهوم علم دینی

از مفهوم دین، تعریف های گوناگونی شده است. دین، مجموعه پیام هایی است که خداوند در حوزه عقاید، اخلاق و احکام و نیز مسائل فردی و اجتماعی و روابط بین الملل، در سه زمینه رابطه با انسان، جهان طبیعت و خداوند بر پیامبر عرضه کرده است. همچنین می توان دین را چنین تعریف کرد: دین، مجموعه ای از جهان بینی و ایدئولوژی وحیانی برای توحیدی کردن فرد و جامعه است.

پرسش جدّی این است که وقتی از علم دینی سخن می گوییم، قید دینی در عبارت «العلم الدینی » یا به تعبیر غربی آن Relijence scinceچه مفهومی دارد؟

در پاسخ باید گفت سه اصطلاح «علمِ دینی »، «دین علمی » و «علوم

دینی » بایـد از هم تفکیـک شونـد.ـ علم دینی ـآن بخش از علـومِ بشـری یـا علوم عقلاـنی است که قـداست و هویتِ الهی و توحیـدی یـافته اسـت. مراد از ـدین علمی،ـ تمیز رویکرد خاصـی در دین شناسـی است که در آن تحـویل(۱) صورت گرفته است.اگر دین را به نفـع علم تفسـیر کنیم، نـوعی تحویـل و ارجـاع صورت داده ایم؛ یعنی بـا روش خاصـی، دین را به نفع علم تحویل برده و هویت دین را به سمت هویت علم کشانده ایم، ولی در علمِ دینی چنین نیست. در علم دینی تلاش می شود علم، هویت الهی و توحیدی بگیرد؛ یعنی به علم، جهت دینی و الهی می دهیم. دین را به نفع علم، فرو نمی کاهیم، بلکه علم، صفت خاصی پیدا می کند و آن، دینی و توحیدی بودن است.

مراد از اصـطلاح سوم؛ یعنی ـعلوم دینی، ـهمـان علوم اسـلامی است؛ یعنی دانش هـایی که برای امر دین، به کار می رونـد،ماننـد علم فقه، علم کلام یا علوم قرآنی . اینها علومی هسـتند که در بسترِ دین تولیـد شـده و پدیـد آمـده انـد. همچنین سلسـله علومی که برای فهم دین به کار می روند، علوم خاصِ دینی هستند و در هر دینی، این گونه علوم وجود دارد.

در این پژوهش، بـا چشم پوشـی خاصـی، از علم دینی به علوم دینی تعـبیر کرده ایم و مرادمـان از علوم دینی، همـان علمِ دینی بوده است. در مقابل علمِ دینی، علم سـکولار قرار دارد. در علم سـکولار، وصف دینی، حـذف و قید سـکولار جای گزین آن می شود.

ص:۳۸

۱- [۱] . Reduction.

مفهوم علم دینی در معانی زیر قابل طرح است:

الف) علم دینی به معنای حضور جهان بینی توحیدی و نظام معرفت الهی در عرصه علوم؛ وقتی نوعِ نگاه ما به جهان، خدا و انسان دگرگون شود، بر سیستم معرفتی و هویت و قلمرو ذهنی ما در علوم تجربی و علوم انسانی نیز اثر خواهد گذاشت.

ب) حضور دین با نظام ارزشی خود در قالب مکتب یا نظام ارزشی در علوم؛ احکام دینی فقهی اولیه و ثانویه و حکومتی، تمامی حوزه های فردی و اجتماعی حتی قلمرو علوم را دربرمی گیرد. البته در اینجا، دو نگرش دین «حداقلی » و «حداکثری » مطرح می شوند که با پذیرش هر کدام، نوع نگاه ما به حضور دین در صحنه اجتماعی، متفاوت می شود.

ج) علم دینی به مفهومی که خاستگاه آن علوم، دین است؛ مانند علوم قرآنی، حدیثی، عرفانی و کلامی .

د) حضور دین در قلمرو علوم و در فرآیند تولید آن؛ حضورِ آموزه های دینی در پرسش آفرینی و ساختار اطلاعات و آگاهی که مرحله دوم فرآیند تولید است، نقش اساسی دارد. حضور دین را در بخش فرضیه سازی نیز می توان دریافت.

دین در تمام فرآیند تولید علم می تواند نقش آفرین باشد. البته این امر ادعایی است که باید پس از تجربه عملی، به اثبات برسد.

نظریه هایی در زمینه اسلامی سازی علم

بحث از اسلامی سازی علم، چند دهه ای است که به صورت جدّی در میان متفکران اسلامی مطرح است. به گفته یکی از پژوهشگران، اندیشه

اقتصاد اسلامی یا اسلامی سازی اقتصاد، مدت ها پیش از اسلامی سازی دیگر رشته ها و به طور کلی، اسلامی سازی علم طرح شده است.(۱)

بحث از علومِ اسـلامی و روش شناسـی اسـلامی علوم، در عصـر حاضـر، بیش از دیگران، در آثار _سیدحسـین نصـر_ در دهه پنجاه میلادی صورت گرفته است. در سـال۱۹۷۷م. در کنفرانسـی در مکه، _اسـماعیل الفـاروقی،_ در مقـاله ای، از اسـلامی سـازی علومِ اجتمـاعی بحث کرد. در همـان کنفرانس، _سـیدمحمد نقیب العطاس_، مقاله ای درباره تعلیم و تربیت در اسـلام ارائه داد. بعدها فاروقی، موضوع اسـلامی سازی علم را پی گیری کرد. وی کتابی با عنوان _اسـلامی سازی علم _نوشت و نیز مؤسـسه «اندیشه و تمدن اسـلامی » را در امریکا برای پی گیری این موضوع و دیگر موضوع های علمی مورد نیاز جهان اسلام تأسیس کرد.(۲)

بنا بر دیدگاه نصـر، علمِ اسـلامی بر جهان بینی اسـلامی مبتنی است و متناسب با موضوعِ مورد پژوهش، از روش های مختلفی سـود می جویـد. روشِ علـمِ اسـلامی، سلسـله ای اسـت کـه از وحی و اشـراق تـا حس و تجربه را فرامی گیرد. این روش هـا نه ناسازگـار بـا هم، بلکه مکمـل یکدیگرنـد و همه در سایه توحیـد یک پارچگی می یابنـد. علمِ اسـلامی شامل علم طبیعی، علم ریاضـی و علـم کشـفی اسـت. ویژگی اساسـی دانش حقیقی اسـلامی آن است که این دانش از عقـل (Entellect) که الهی است، سرچشمه می گیرد؛ نه از

ص:۴۰

۱- [۱] . دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، ص ۲۱.
۲- [۲] . همان، ص ۲۲.

خرد بشری (Reason). عقل الهی در فطرت ریشه دارد و جایگاهش قلب است، ولی عقل بشری و حسی، تنها نمودهایی از آن حقیقت است. علم اسلامی از نگاه دکتر نصر، دانش قدسی (۱) است که گوهر آن، حقیقتی وحیانی است.

بانیان علم جدید در غرب با تقدس زدایی (۲) از علم، اسرار و رموز را به امورعرفی فرو کاهیدند. علم غربی، انسان محور است، در حالی که علم اسلامی، توحیدمحور است. علم جدید، جهان را یک سره از مبدأ و معاد می بُرَد و حضور خدا را در جهان نادیده می گیرد. این علم، حداکثر، خدا را آغازگرِ آفرینش می پندارد، نه به عنوان آفریدگاری که حاضر و فعال است.(۳)

از همین رو، میان علم جدید و دین، تعارض های بنیادین مطرح می شود. البته بررسی دقیق نشان می دهد که آموزه های تحریف شده مسیحیت و آنچه متکلمان کلیسایی از آنها طرفداری می کردند، ریشه های اساسی تعارض علم و دین شمرده می شدند. ازاین رو، این تعارض را نمی توان به دنیای اسلام سرایت داد.

بومی کردن علم

اسلامی سازی علم، زیر مجموعه جریان گسترده تری است که بومی سازی (۴)علم نام دارد. این جریان با تردید درباره جهانی بودن مفاهیم

۱- ۱. scientia sacra.

۲- ۲. Desacralization.

۳- [۳] . دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، ص ۲۳.

۴- [۴] . Indigenization.

اجتماعی غربی، حتی جهانی بودن آن را انکار می کنـد. طرح کننـدگان بومی سازی علم، این مفهوم را در مقابل خودباختگی ذهنی (۱) حاکم بر پیروان جهان سومی غربطرح کرده اند. این روحیه در ضـعف نوآوری، طرح مسائل اصـیل، ارائه روش های اصیل تحلیلی، تقلید مطلق و رویارویی غیرنقادانه با علم و متناسب نبودن علم با مسائل جامعه بومی ظهور دارد.(۲)

مفهوم بومی کردن علوم، به معنـای شـکل گیری علوم در یـک فضـای فرهنگی و تـاریخی خـاص است، به گونه ای که مسائل مطرح در آن علم، نـاظر به نیازهـا و گرفتـاری هـایی است که پاسـخ به آنها دغـدغه خاطر نظریه پردازان جامعه اسـلامی است. ازاین رو، حرکت علم، برای حـل مسائـل جـامعه ای خاص چونان جامعه ایران اسـلامی است و تبیین امور مربوط به آن، ضامن بومی شـدن آن علم خواهد بود. هرگز نمی توان علوم وارداتی را با مسائل بیگانه ای که به جوامع دیگری مربوط می شود، راه حلی منـاسب برای برطرف کردن مشـکلات خود دانست. بنابراین، شـناخت مسائل جامعه، نقش مهمی در بومی شـدن و تطبیق راه حل ها با فرهنگ، اثر بسزایی در نقش آفرینی علم در هر جامعه دارد.

نتیجه آنکه ما با دو نگرش درباره چگونگی استفاده از علم مخالفیم: اول اینکه به گونه ای افراطی، هرگونه دستاورد علمی بشر را ناکارآمد بشماریم. تنها به این دلیل که در دیگر فرهنگ ها و جوامع رشد یافته اند. دوم آنکه در

۱- [۱] . mental captiviey.

۲- [۲] . دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، ص ۳۶.

پذیرش علوم از دیگر جوامع و فرهنگ ها تفریط کنیم و بدون هیچ گونه تغییری در سازگار کردن آن علوم با ارزش ها و فرهنگِ جامعه خودی، به آنها گردن نهیم. بی گمان، این رویکرد نیز پذیرفتنی نیست. روش سوم، استفاده از علوم و دستاوردهای بشری، پس از ارزیابی فرهنگی و ارزشی و تولید دانش های جدید سازگار با مبانی معرفتی و ارزشی و خاستگاه اجتماعی فرهنگ خودی است.

در اینجا، مثال بومی سازی در علوم اجتماعی را به عنوان یک نمونه بیان می کنیم:

فرهنگ غرب در حوزه های مختلفی از جمله در انتخاب مسئله، انتخاب روش های پژوهش، ارائه راه حل ها و سیاست ها، دادن فرضیه ها و در مبانی معرفت شناختی علوم اجتماعی موجود ظهور دارد و اثرگذار است. ازاین رو، علوم اجتماعی غرب، مبتنی بر فلسفه، تاریخ، فرهنگ و تجربه غرب است. بومی کردن علوم اجتماعی بر این مبناست که فرضیه ها، مفاهیم و روش های آن از تاریخ، فرهنگ و تجارب تمدن های غیرغربی گرفته شوند.

منظور از بومی سازی، طرد علم موجود نیست، بلکه آن است که بتوانیم با تغییرهایی، علم را با فرهنگ و نیازهای بومی متناسب کنیم؛ زیرا علوم اجتماعی موجود، با فرهنگ و نیازهای تمامی بشر تناسب کافی ندارند. مفاهیم، فرضیه ها و مبانی غربی باید تصحیح و تعدیل شوند و با عناصرِ بومی مناسب ترکیب گردند.

علوم اجتماعی موجود، نه همه علوم اجتماعی است و نه تنها شکل آن. بومی سازی بدین ترتیب، دعوت جهانی کردن و استقلال علم نیز هست.

نفی استعمار و نژادگرایی غربی، پس از دوره استعمار، با آوردن نگاه ها و مفاهیم غیرتجربی، از عناصر مورد نظر در بومی سازی علم است.(۱)

تعامل حوزه و دانشگاه در تولید علم دینی

یکی از راه های اصلی در تولید علم دینی، بررسی اثرگذاری پیوند حوزه و دانشگاه با یکدیگر است. اگر این ارتباط نباشد، زمینه های نظری و عملی اسلامی سازی علوم یا بومی سازی و به بیان بهتر، شکل دادن نظریه علم دینی حاصل نخواهد شد.

در اسلامی کردن علوم، باید به مبانی معرفتی و ارزشی اسلام توجه جدّی شود. بدین منظور، باید مبانی ارزشی و هستی شناختی دین را باید بازشناخت. حوزه علمیه و عالمان دینی در شناسایی این مبانی، وظیفه اصلی را به عهده دارند.

تا زمانی که علوم دانشگاهی با ساختار اجتماعی نظام اسلامی هم گون نشوند، تعامل واقعی حوزه و دانشگاه صورت نخواهد گرفت. اگر حوزه به ارائه پیش فرض های دینی برای بنیان نهادن شالوده علوم دانشگاهی همت نگمارد و دانشگاه خود را نیازمند وحی احساس نکند و هریک بر توسن خود، راه مخالف بپیمایند، هرگز نمی توان این دو نهاد مهم فرهنگی کشور را با هم آشتی داد و نظریه علوم دینی را در سطح گسترده محقق ساخت.

در اجرای پژوهش های بنیادی که مبنای تولید علم و جهش علمی است، استفاده از پیش فرض های دینی، جهت کارآیی بیشتر علم در رفع نیاز جامعه

۱- [۱] . همان، صص ۳۶ و ۳۷.

دینی ضرورت دارد. در این راستا، عالمان دینی باید به ارائه پیش فرض ها و دانشگاهیان نیز به تولید روش، معادله های کاربردی، انجام پژوهش های میدانی و برنامه ریزی های علمی بپردازند.

نخبگان و تولید علم

مناسب است در پایان این بخش، به اهمیت نقش نخبگان علمی در تولید علم در جامعه اشاره شود. نخبگان در نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری، وظیفه مهمی برعهده دارند. وجود استعدادهای درخشان در برخی از انسان ها، نعمتی است که خداوند، آنها را در قبال این نعمت، مسئول می داند. ازاین رو، مهم ترین وظیفه نخبگان این است که در تولید علم و استفاده از آن در راه رشد و رفاه مردم و استقلال علمی کشور بکوشند.

می دانیم که داشتن استعداد و ذهن قوی، شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست. پس باید با اراده و تلاش و تحمل سختی ها و عشق به علم و همت برای تولید، این استعداد را در عرصه عمل، بارور کند و به شکوفایی برساند. انتظار ملت و انقلاب از نخبگان جامعه، به کار بستن این اراده و همت است. مسئولان نیز باید به این قشر از جامعه توجه جدّی داشته باشند و با چاپ و نشر آثار آنان، پشتیبانی های مالی از ایشان و ارج نهادن به اندیشه هایشان، زمینه پیشرفت اندیشه و پژوهش در جامعه برای تولید علم را فراهم آورند.

فصل سوم: موانع جنبش نرم افزاری

اشاره

موانع پیش روی نهضت تولید علم را از جنبه های گوناگونی می توان تقسیم کرد. اولویت بندی این جنبه ها می تواند شرایط را برای سرعت بخشیدن به اهداف جنبش در جامعه فراهم سازد.

در یک تقسیم بندی موانع جنبش نرم افزاری را می توان به موانع نظری و عملی تقسیم کرد. همچنین از نگاهی دیگر، موانع را به دو بخش راهبردی و غیرراهبردی دسته بندی می کنند. از نظر دیگر، موانع پیش روی جنبش می تواند اخلاقی، معرفتی و اجتماعی باشد. افزون بر اینکه موانع در نظام تولید علم می توانند مربوط به نظامِ دانشگاهی یا نظام حوزوی باشند.

مهم ترین مانع جنبش نرم افزاری آن است که با وجود نهادها و مؤسسات فراوان علمی در کشور، هنوز سندی رسمی برای این جنبش تنظیم نشده است. برای رسیدن به افق های روشن علمی در آینده، باید چشم اندازهای دقیق علمی برنامه ریزی شود؛ همان گونه که برای پیشرفت ایران اسلامی، سند چشم انداز بیست ساله طراحی شده است. البته در خود سند چشم انداز بیست ساله نظام، به تولید علم نیز توجه شده است، ولی این کافی نیست، بلکه خود جنبش نرم افزاری باید چشم انداز مستقلی داشته باشد و در هر

دوره ای، رشد علمی و میزان تولید علم مشخص شود تا بر اساس آن سند، آسیب شناسی هر مرحله ای، به راحتی صورت گیرد.

در ادامه، مهم ترین موانع را در جنبه های مختلف معرفتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی یادآور می شویم. در برخی از موارد که آسیب خاصی، بی نیاز از توضیح باشد، از شرح آن چشم می پوشیم و در پایان، طرح ویژه ای از بررسی موانع تولید علم در کشور را از نظر یکی از استادان دانشگاه نقل می کنیم.

۱. معرفتی

موانع معرفتی تولید علم، موانعی است که در نوعِ شناخت ما از تولید علم نقش خواهند داشت. از آنجا که بحث جنبش نرم افزاری و تولید علم به نهادی خاص اختصاص ندارد و در یک تقسیم بندی هم شامل نهادهای حوزوی و هم شامل مراکز دانشگاهی می شود، این دسته از آسیب ها در دو قلمرو مراکز حوزوی و مؤسسات دانشگاهی قابل بررسی است.

الف) در عرصه علوم حوزوی

یکی از موانع مهم در تولید علم، تمرکز بیش از حد بر شاخه ای از علوم و بی توجهی نسبت به علوم دیگر است. در آموزه های دینی فراوان بر دانش اندوزی و کسب علم تأکید و به آن تشویق شده است. متأسفانه در میان علوم حوزوی به علم فقه و در کنار آن به علم اصول بیش از دیگر شاخه های علوم دینی مانند، عرفان، تفسیر، فلسفه و کلام توجه شده است. بیشتر شروحی که بر کتب حوزوی نگاشته می شود، تقریبا در این دو علم منحصر است و این سبب شده است به تعبیر شهید مطهری، علم اصول

متورم شود. نگاه درست آن است که باید در کنار توجه به علم فقه و علم اصول به علوم دیگر توجه داشت و به تولیدات علمی متناسب با آن رشته ها بها داد. البته این تمرکزگرایی به نهاد حوزه اختصاص ندارد و ممکن است در دیگر نهادها و مراکز علمی دیگر نیز وجود داشته باشد.

ب) در عرصه علوم دانشگاهی

از آنجایی که علوم دانشگاهی در کشور ما، اعم از علوم انسانی یا تجربی غالبا وارداتی است و به تعبیر دیگر در دانشگاه های ما دیدگاه ها و نظریه های اندیشمندان مغرب زمین تدریس می شود و نوعا با نگاه غیردینی همراه است، نمی توان انتظار داشت تا محصول دانشگاه های ما علوم دینی باشد. اقتصادی که محصول نظریه مغرب زمینیان است، اقتصاد ماکیاولیستی و سرمایه داری است و همچنین است در دیگر دانش ها. نگرش دینی و الهی به علم و نگرش سکولار به آن دو محصول متفاوت بیرون می دهد. برای رسیدن به نظریه علم دینی باید نگرش فرهیختگان دانشگاهی به علوم تغییر یابد.

۲. فرهنگی

موانع فرهنگی، مواردی هستند که به صورت عادت و به شکل طبیعت ثانوی در جامعه ای نهادینه شده باشند. یکی از مهم ترین موانع فرهنگی در جامعه ما در زمینه تولید علم آن است که باور علمی به یک باور عمومی تبدیل نشده است. با اینکه کشور ما دارای تمدن کهنی است و دانشمندان بسیاری در علوم مختلف در این سرزمین زیسته اند، ولی بنا بر عللی، روحیه

تقلید و خودباختگی علمی، امروزه دامن نسل جوان را فراگرفته است. از میان موانع فرهنگی بسیاری که هست، می توان به این موارد اشاره کرد:

الف) نبود روحیه نقد در مراکز علمی کشور

یکی از راه های رشد و بارور شدن یک نظریه علمی، نقد آن است. این سنت حسنه (نقد علمی) در بسیاری از دانشگاه های غربی وجود دارد. شایسته است نخبگان علمی دانشگاهی و حوزوی ما نیز با آشنایی کامل از معنا و منطق نقد، آن را به عنوان یک فرهنگ در جامعه علمی کشور رایج سازند.

ب) ترجمه محور بودن دانشگاه های کشور

یکی از ضعف های اساسی جامعه علمی ما به ویژه دانشگاه ها، تبدیل آنها به مصرف کننده علمی است. این آفت از جمله آفت هایی است که هم زمان با تأسیس دانشگاه در ایران در عصر پهلوی، به منظور تکرار اندیشه غربیان (برای مدرن شدن) صورت گرفت. ترجمه محض و نبود نوآوری، آسیبی است که باید جلو آن را گرفت. البته اصل ترجمه در کنار عیب هایی که دارد، حسن هایی نیز دارد. برای مثال، در سده های دوم، سوم و چهارم هجری قمری، نهضت ترجمه سبب رشد علم در تمدن اسلامی شد. فرهنگ ترجمه در شرایط کنونی نیز برای جامعه ما یک ضرورت است، ولی باید با برنامه ریزی همراه باشد.

شرایط حاکم بر جهان کنونی به گونه ای است که خواسته یا ناخواسته، اندیشه های غربیان به دیگر سرزمین ها راه یافته است. ازاین رو، بایسته است نهضت ترجمه را به مانند سرآغاز دوران تمدن اسلامی راه بیندازیم تا حوزه

و دانشـگاه آن را مـدیریت کننـد؛ زیرا در صـورت نبود مراقبت و کنـترل، هر آنچه در غرب وجود دارد، بـدون وارسـی علمی، ترجمه خواهد شد. شبهه های بسیار جدّی درباره مسائل دینی در غرب مطرح است که اگر تنها ترجمه کننده آنها باشیم، ایمان جوانان تحصـیل کرده ما را سـست خواهـد کرد و بسـیاری از تلاش های علمی در کشور بایـد در پاسـخ گویی به آن شـبهه ها صرف شود. با مدیریت درست، می توان آثار مطلوب غرب را شناسایی و سپس ترجمه کرد.

نکته مهم دیگر درباره ترجمه آن است که باید در مقابل پی آمدهای ناخواسـته ترجمه، آمادگی لازم را داشـته باشیم. فرهنگ مصـرفی و ترجمه ای، زیان آور است. متأسفانه امروزه فرهنگِ غلط ترجمه، ما را به خودبیگانگی علمی کشانده و قدرت تفکر را از ما بازسـتانده است. هنر اصـلی دانشـگاه های ما مصرف کردن است و بیشتر با این عینک به علوم نگریسته می شود. هرگز فرصت بررسـی آنهـا را به خود نـداده ایم. بایـد ببینیم علوم دانشـگاهی ما بر چه زیر ساخت هایی بنا شـده انـد و به چه کار می آیند و برای چه هدفی و برطرف کردن چه نیازهایی سامان یافته اند. آیا همه این علوم غربی در جامعه اسلامی ما هم می تواند کاربرد داشته باشد یا تنها بخشی از آنها کاربرد دارد؟

خلاصه اینکه ترجمه در عین داشـتن پی آمـدهای مثبت، می توانـد آسـیبی جـدّی پیش روی تولیـد علم باشد که باید برای آن تدبیری اندیشید.

ج) نبود تضارب آرا

ص:۵۰

از آفت هـای دیگر در جـامعه علمی، نبـود تضـارب آرا است. تأکیـدهای فراوانی در روایـات پیشوایـان معصوم دربـاره اهمیت تضارب آرا وجود دارد. در تاریخ اندیشه اسلامی نیز مناظره های فراوانی میان متفکران بزرگ اسلامی صورت گرفته است.

یکی از سـنت های بسـیار نیکو در حوزه های علمیه، مباحثه میان طلبه ها است که روش مناسبی برای تضارب آرا و انـدیشه ها است. شایسـته است این شـیوه همچنـان در حوزه ها ادامه یابـد و در دانشـگاه ها نیز ترویـج شود. در صورت نبود تضارب آرا، جرئت نقـد و نظریه پردازی نیز وجود نخواهـد داشت. این امر یـا به سـبب سـیطره شخصـیت علمی یا به دلیل کم رویی رخ می دهد یا اینکه نظریه پرداز، خواهان شناساندن خویش نیست؛ یعنی نظریه پردازی نمی کند تا نامش بر سر زبان ها نیفتد.

از دیگر سـنت هـای نیکو در حوزه هـای علمیه این بود که وقتی اسـتادی، نظر خویش را بیان می کرد، شاگرد به راحتی آن را نقد می کرد و هرگز ابهت شخصـیت استاد مانع اظهارنظر و نقد طلبه نمی شد. البته ادب و احترام استاد نیز محفوظ بود. حرمتِ حریم اسـتادان، با رعایت اخلاق علمی بایـد حفظ شود، ولی این امر دلیل نمی شود که حرف آنان نقـد نشود. متأسـفانه امروزه در دانشگاه ها و حوزه های علمیه، به دلیل شخصیت استادان، کمتر دیدگاه های علمی آنان مورد نقد و ارزیابی قرار می گیرد.

از موانع دیگر مرتبط با این بخش، نبود همکاری میان متفکران هم رشته ای هم عصر است. از سنت های بسیار نیکو در گذشته تاریخی ایران اسـلامی و حتی در سـرزمین غرب، همکاری و داد و ستد علمی میان متفکران هم عصر بود. گذشتگان در کتاب ها و آثارشان بارها از آثار یکدیگر

و عالمان هم عصر خود سود می جستند، ولی این امر امروزه کم رنگ شده است.

د) مدرک گرایی

آفت دیگری که متأسفانه جامعه علمی کشور ما را فرا گرفته، مدرک زدگی و شهرت طلبی است. این مشکل، پیش تر تنها در جامعه دانشگاهی دیده می شد، ولی امروزه حوزه های علمیه نیز بدان دچار شده اند. نظام آموزشی ما به گونه ای است که جوانان تنها برای کسب مدرک به مراکز علمی جذب می شوند. امروزه تحصیلات دانشگاهی و حتی حوزوی تنها راهی برای یافتن شغل مناسب شده و این، تهدیدی است که حوزه و دانشگاه باید برای آن چاره ای بیندیشد.

در کنار آسیب فسادآور مدرک گرایی، سنتِ غلط شهرت طلبی نیز بر مراکز علمی کشور حاکم شده است که مانع بسیار مهمی بر سر راه جنبش تولید علم به شمار می رود و باید با آن مقابله کرد.

ه_) رعایت نشدن حقوق معنوی در بیان اندیشه ها

حفظ امانت و رعایت حقوق مادی و معنوی پژوهشگرانی را که نوآوری دارند، باید جدّی گرفت؛ چون به سلامت فضای علمی جامعه کمک خواهد کرد. گاهی برخی از متفکران، به راحتی ایده های خود را بیان نمی کنند؛ زیرا بیم دارند همین ایده، چندی بعد به نام دیگران منتشر شود.

۳. سیاسی

ص:۵۲

از موانع بسیار مهم در عرصه تولید علم، برخورد جناحی با آرای علمی است. مقام معظم رهبری نیز در پاسخ به نامه حوزویان در این باره هشدار داد. حاکم بودن چنین فضایی سبب می شود تا بسترهای لازم برای تولید علم فراهم نشود و اگر هم فراهم می شود، در همان نقطه مسکوت بماند. اگر نوع نگاه به نظریه های علمی، سیاسی و جناحی شود، اقبال جامعه به آرای علمی کمتر می شود؛ زیرا علمی بودن آنها بی اعتبار خواهد شد.

۴. اقتصادی

این مانع بیشتر متوجه وضعیت اقتصادی پژوهشگران است. تأمین نشدن هزینه های زندگی سبب شده است بسیاری از پژوهشگران برای گذران زندگی شان، بخش اصلی تلاش و وقت خود را صرف کارهای اجرایی و غیرعلمی کنند. مسئولان جامعه باید برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی پژوهشگران، راه کارهای علمی بیندیشند.

۵. ساختاری و مدیریتی

این بخش از موانع تولید علم، به نوعی از مهم ترین بخش های موانع به شمار می آید؛ چون دیگر آسیب ها نیز از یک نظر، به نبود مدیریت مناسب و تدبیر اجرایی درست بازمی گردد. در ادامه، برخی مشکلات ساختاری و مدیریتی را بیان می کنیم.

الف) آموزش محوری به جای پژوهش محوری در نهادهای علمی

این امر، مانعی فرهنگی به شمار می رود، ولی با توجه به اینکه بی تدبیری برخی مدیران و مسئولان به آن دامن زده است، در اینجا آن را به عنوان مانع ساختاری می آوریم. اگر جامعه ای بخواهد به پیشرفت و تعالی

برسد، باید به پژوهش اهمیت بدهد. پیشرفت کشورهای صنعتی، بیشتر به دلیل پژوهش محوری آنها است. متأسفانه نظام آموزشی در جامعه علمی ما (در حوزه و دانشگاه) به گونه ای است که به آموزش بیش از پژوهش اهمیت می دهند.

ب) مدیریت نادرست منابع تولیدی و استعدادها

باید اعتراف کرد که نهادهای علمی کشور از نظر مدیریت استعدادهای درخشان، موفق نبوده اند. گرچه پس از انقلاب، موفقیت های زیادی در المپیادهای علمی نصیب کشور شده است، ولی این امر هرگز کافی نیست.

افزون بر این، نهادهای پژوهشی کشور نیز در مدیریت پژوهش، موفقیت چندانی نداشته اند؛ زیرا برنامه ریزی شان درست نبوده است. امروزه بیشتر پژوهش ها در جامعه، به صورت فردی صورت می گیرد و این وضعیت، آفتِ جدی است. باید با مدیریت کارآمد، برای پژوهش های گروهی، اهمیت ویژه قائل شویم و با مدیریت درست منابع، از نخبگان علمی پشتیبانی کنیم. روش های مختلف این پشتیبانی نیز در بخش های مختلف این نوشتار بیان شده است.

ج) ناسازگاری نهادهای علمی کشور با نیازهای جامعه

این مشکل در دانشگاه ها نمود بیشتری دارد. در حوزه های علمیه، مشکل دیگری در این زمینه وجود دارد و آن، توجه بیش از حد به مسائل گذشته است؛ یعنی معمولاً به موضوع های روز کمتر توجه می شود. ازاین رو، باید با مدیریت درست، ساختار موجود را تغییر دهیم تا تلاش های علمی کشور با نیازهای جامعه بیشتر سازگار شود.

ص:۵۴

د) نبود رابطه مناسب میان حوزه و دانشگاه

درباره وحدت حوزه و دانشگاه، بسیار سخن گفته شده است. قلمرو وظایف هر کدام نیز مشخص است. باید با مدیریت و برنامه ریزی درست، روابط مناسب میان این دو قشر برقرار شود.

هـ) مدیریت نشدن هزینه ها

یکی از آسیب های ساختاری و مدیریتی در جنبه آموزشی و پژوهشی کشور آن است که بودجه های کارهای علمی بسیار پایین است یا در صورت کافی بودن، با مدیریت درستی، اداره نمی شوند.

۶. موانع توسعه علمی ایران

اشاره

در اینجا، موانع توسعه علمی ایران را از دیدگاه یکی از مسئولان وقت دانشگاهی بیان می کنیم.(۱) ایشان بر اساس یک طبقه بندی کلی، موانع توسعه علمی کشور را در چهار گروه دسته بندی کرده که به قرار زیر است:

الف) موانع فکری و فرهنگی

یک ــ توسعه نایافتگی فرهنگی

در توسعه فرهنگی، تکیه بر آفرینندگی و نوزایی، پایه مشارکت اجتماعی، انتخاب گری در رویارویی با دگرگونی های سریع، بهره مندی از عناصر مادی توسعه و کسب اصالت ها و فضیلت های انسجام بخش است. با این تعریف، می توان موانع زیر را در این زمینه برشمرد:

۱- [۱] . این کار، به ظاهر یک کار گروهی است که دکتر مصطفی معین در تاریخ ۷/۱۰/۱۳۸۰، به عنوان وزیر وقت علوم، تحقیقات و فن آوری در دانشگاه صنعتی شریف در قالب یک سخنرانی بیان کرده است.

۱. ضعف اعتماد به نفس و خودباوری، تقلید و خودباختگی و حیرت زدگی در برابر دگرگونی های جدید فرهنگ غرب؛

۲. گسستگی از معارف و فرهنگ ملی و دینی ؛

۳. تفسیر غلط دینی از رشته های معرفت دینی (فریضه دانستن بخشی از علوم، مانند علوم دینی و تعمیم ندادن آن به دیگر حوزه های علم)، متکی نبودن به ره یافت های عقلی و استدلالی از مقوله های شرعی ؛

۴. نبود پیوستگی با فرهنگ و مفاخر ملی و اسلامی و عوامل و شرایطی که موجب نهضت علمی در دوره تمدنِ اسلامی شد. (استفاده ابزاری از دین و علم، دنیاگریزی و صوفی گری، جزم اندیشی و تعصب کور، خردستیزی و نمادگرایی به جای مفهوم گرایی علمی و دینی، دولتی شدن مراکز علمی و دینی ...)؛

۵. نبود فرهنگ علمی و فنی در جامعه و دست رسی نداشتن همگان به اطلاعات و منابع علمی ؛

۶. ضعف روحیه و اخلاق جست وجوگری، پرسش گری و طرح مسئله در فرهنگ عمومی (نبود فرهنگ پژوهش)؛

۷. ضعف در گفتمان علمی کشور اعم از بحث، نقد و تبیین نگرش ها و یافته های علمی، نظری و فنی در جامعه؛

۸.بی توجهی به ارزش زمان و غنیمت نشمردن فرصت ها در متن فرهنگ عمومی .

دو ــ ضعف علوم انسانی و اجتماعی

ص:۵۶

این ضـعف از یک سو، ناپیوستگی روند توسعه علوم را در کشور در پی داشته و از سویی دیگر، زمینه ساز نارسایی مدیریتی و قدرت تفکر مسئولان و جامعه شده است.

سه _ نبود شرایط توسعه درون زای علمی و فرهنگی

۱. غلبه مصرف گرایی در علم و فن آوری در نتیجه، حاکمیت فرهنگ مصرف گرایی در ساختار فرهنگ عمومی کشور؛

۲. طبقاتی شدن جامعه به خواص و عوام، فقیر و غنی و اثرگذاری آن بر حوزه اندیشه؛

۳. رواج سودجویی در آموزش و پژوهش و استفاده ابزاری از علم (مدرک گرایی)؛

۴. نظام ارزش گذاری مبتنی بر ثروت، قدرت و روابط شخصی تا مرتبه علمی و خردورزی در جامعه؛

چهار _ ضعف نهادهای ارتباطی علمی در کشور

در نتیجه این گونه ضعف ها، ساز و کارهای جذب فن آوری های جدید با مشکل روبه رو شده است.

ب) موانع سیاسی و اجتماعی

اول _ ضعف خرد جمعی و چیرگی خرد فردی و نبود ساختارهای عقلانی در برخورد با مسائل کشور؛

دوم _ نبود فرهنگ کار و خلاقیت گروهی و زاینده به دلیل حاکمیت تاریخی فردگرایی و بی اعتمادی افراد به یکدیگر؛

سوم ـ نبود امنیت و منزلت اجتماعی، شغلی و اقتصادی و پایین بودن ضریب امید به آینده:

۱. ضعف شأن علمی و مدیریتی دانشمندان، پژوهشگران و دانش پژوهان و بی اعتمادی به ایشان در سطح جامعه؛

۲. مهاجرت نخبگان علمی و مدیریتی و استعدادهای خلاق کشور؛

چهارم ـ نبود توسعه اجتماعی و سیاسی (ضعف فرهنگ قانون گرایی، مشارکت، گفت وگو و تحمل، مردم سالاری و برابری مردم از نظر حقوق اجتماعی):

۱. نظام حکومتی استبدادی چند صد ساله (اجرای حکم حاکمان و نه قانون، سطح پایین آگاهی و بینش سیاسی، اجتماعی و فرهنگ عمومی)؛

۲. سیطره و نفوذ تاریخی استعمار و عوامل داخلی آنها.

ج) موانع اقتصادی و سخت افزاری

ـیک ـــ بیمار بودن ساختار اقتصادی کشور و وابسته بودن آن به صادرات نفت خام:

۱. نارسایی نظام صادرات و واردات (واردات ماشین ها و کالاهای مصرفی به جای تولید بومی و جذب دانش فنی و سرانجام، توسعه سخت افزاری صرف)؛

۲.نبود بهره وری در بخش های تولیدی و خدماتی به دلیل نبود رقابت، کیفیت، آموزش و پژوهش و ضعف نیروی تخصصی .

ـدو ـــ نبود سرمایه گذاری مناسب در بخش پژوهش و فن آوری های علمی :

۱.فرسودگی و کهنگی امکانات و تجهیزات علمی و پژوهشی ؛

۲.خریدهای تکراری و بدون توجیه علمی ابزارهای فنی ؛

۳.از کار افتادگی تجهیزات و ناتوانی از نگهداری و به کارگیری آنها با بهره وری کافی ؛

۴. نبود مشارکت عمومی در تأمین منابع مالی (وقف، هدایا، بنیادهای حمایت از علم و پژوهش و وارداتی بودن فن آوری، نبود فن آوری ملی و یا بومی شده).

دو عامل در این زمینه اثرگذار است:

الف) گسست پیوند دانشگاه و صنعت؛

ب) ناکارآمدی نظام های موجود پژوهشی در دانشگاه ها و مراکز اجرایی .

ـسه ـــ بحران جمعیت، اشتغال پایین و فقر اقتصادی ؛

د) موانع ساختاری و مدیریتی

ـیک ـــ متناسب نبودن نظام برنامه ریزی توسعه با شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی :

۱. کهنگی و ناکارآمدی نظام اداری کشور در بخش های مختلف علمی و اجرایی ؛

۲. ضعف سیاست های هماهنگ و پی گیر در برنامه های توسعه؛

۳. کمیت گرایی در فرآیند توسعه؛

۴. وابستگی کامل منابع مالی به دولت و متنوع نبودن آنها؛

ص:۵۹

۵ . نارسایی و ناکارآمدی نظام آموزشی و تربیتی کشور (ضعف در جذب و رشد خلاقیت ها، نبود رشد تفکر علمی و...)؛

۶ . نارسایی نظام اطلاع رسانی و دست رسی به منابع علمی روزآمد؛

۷. وجود تنگناهای قانونی و مقرراتی (مالیات های سنگین برای پژوهشگران، دیوان سالاری پیچیده به دلیل بی اعتمادی به پژوهشگران و...).

ــدو ـــ ضعف در عزم ملی برای توسعه علمی و فن آوری :

۱. نبود شناخت کافی از مزیت های نسبی کشور؛

۲. نبود سرمایه گذاری لازم و متناسب با مزیت های نسبی در منابع انسانی کشور؛

۳.تأمین نشدن مادی و معیشتی پژوهشگران،استادان،دانشجویان و کارکنان؛

۴. ناباوری برنامه ریزان اقتصادی به سرمایه گذاری در علم و خوداتکایی در فن آوری ؛

۵. ضعف باور مدیران نظام برنامه ریزی و دستگاه های اجرایی ؛ به سرمایه ای و نه هزینه ای بودن پژوهش.

۶ . وجود موانع اداری و دیوان سالاری در امر پژوهش؛

۷. ناهماهنگی در سیاست های علمی و پژوهشی به دلیل فراوانی مراجع سیاست گذاری، تصمیم گیری و اجرایی .

ــسه ـــ نبود برنامه روشن و فراگیری برای توسعه علمی :

۱. نبود مدیریت علمی در کشور و حاکمیت مدیریت های تنگ نظر و کوتاه بین؛

۲. نبود نهادی مقتدر، سیاست گذار، پشتیبان و هدایت گر در زمینه پژوهش؛

۳. نبود اولویت های راهبردی در زمینه پژوهش ها؛

۴. ضعف آینده نگری در پژوهش ها و فرو افتادن در روزمرگی ها؛

۵. چربیدن رابطه بر ضابطه در فرآیند پژوهش و بازار عرضه و تقاضای کالاهای پژوهشی ؛

۶. روزآمد نبودن برنامه ها و رشته های آموزشی و گسترش نیافتن بخش های میان رشته ای .

ـچهارـ ـ مشکلات ساختاری در آموزش عالی، تحقیقات و فن آوری (گسستگی میان مراکز علمی و اجرایی و نبود تعامل دانشگاه و جامعه و دولت در به کارگیری نتیجه پژوهش ها):

۱. بومی نشدن علم و فن آوری جدید و نبود فرآیند تولید علم و فن آوری ؛

۲. وابسته بودن صنعت، تولید و خدمات به درآمد نفتی و فن آوری وارداتی ؛

۳. درون گرایی دانشگاه ها و مراکز پژوهشی و جدایی آنها از فرآیند توسعه ملی ؛

۴. نبود نظارت، ارزیابی، شفافیت، مقایسه و رقابت و مسئولیت پذیری در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی ؛

۵. کهنگی ساختارها و نبود ساختار پویا، پایدار و نهادمند در فرهنگ علمی و پژوهشی کشور و مشخص نبودن راهبردها و اهداف؛

۶ . نداشتن استقلال اداری، مالی، استخدامی، تشکیلاتی و آزادی علمی دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی ؛

۷. نبود مدیریت فرآیندها در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی برای گسترش زمینه رقابت و رشد نوآوری ها؛

۸ . نبود مدیریت در بخش های ستادی برای هدایت جریان های علمی و تقویت زیرساخت های علمی و فن آوری ؛

۹. اثرگذاری فضای سیاسی بر معیارهای علمی و انتخاب مدیران؛

۱۰.کمبود سازمان های غیردولتی (NGO)، انتشارات و نهادهای دولتی و غیردولتی در حوزه های علوم، تحقیقات و فن آوری ؛

۱۱. گسستگی با منابع انسانی تخصصی در خارج از کشور؛

۱۲. رکود و انزوای علمی در سطح بین المللی و نپیوستن به پژوهش های جهانی .

در یک دسته بندی که در انجمن جامعه شناسی ایران از منابع موجود (کتاب ها، پایان نامه ها و طرح های پژوهشی) انجام گرفته است، موانع موجود در روند توسعه علمی کشور به گونه ای دیگر برشمرده شده است.

موضوع ها و سطح های مطرح شده در این دسته بندی عبارتند از:

۱. مسائل و موانع موجود در سطح خرد _ کنش گران حوزه علم:

الف) بی توجهی به هوش و استعداد و علاقه داوطلبان ورود به حوزه علم؛

ب) سرخوردگی نخبگان و نارضایتی و برون گرایی ؛

ج) ضعف خردگرایی و برخورد منطقی با مسائل؛

ص:۶۲

د) ضعف روحیه کار گروهی ؛

هـ) پایین بودن سطح آگاهی اعضا از اطلاعات روزآمد در رشته تخصصی خود؛

و) ضعف وفاق فکری میان نخبگان بر سر اصول و قواعد عمل گروهی در حوزه علم؛

ز) ضعف تعهد جمعی کنش گران حوزه علم در برابر اصول و قواعد حاکم بر فعالیت علمی و اخلاق علمی ؛

ح) نبود احساس امنیت جانی، مالی، اجتماعی و فکری ؛

۲. مسائل و موانع موجود در سطح مبانی دانشگاه ها و نهادهای علمی:

الف) در حوزه مدیریتی

اول ـ وابستگی های اداری و مالی ؛

دوم ـ دیوان سالاری، غلبه بخش ستادی بر بخش صنعتی (علمی) و غلبه فرهنگ اداری بر فرهنگ علمی ؛

سوم ـ فراوانی مراجع تصمیم گیری ؛

چهارم ـ حاکمیت فضای سیاسی و رعایت نشدن ضوابط آکادمیک در انتخاب مدیران؛

پنجم ـ ضعف اعتماد متقابل میان اعضای علمی و مدیران؛

ششم ـ ضعف مشارکت گروهی دانشگاهیان در اداره امور مربوط به خود:

۱. محدودیت فضای آزاد برای گفت وگوی خردمندانه و تبادل اندیشه و نقد؛

۲. ضعف همکاری های پی گیر علمی میان استادان؛

۳. کمبود بودجه و تنگناهای مالی ؛

۴. در دست رس نبودن به موقع امکانات و لوازم آموزشی _ پژوهشی مورد نیاز؛

۵. بهره برداری نشدن بهینه از امکانات و منابع فکری و نیروی انسانی موجود؛

۶. استفاده نشدن مناسب از توان علمی دانشگاه ها و مراکز علمی ؛

۷. نبود برنامه ریزی جامع؛

۸. ضعف تخصص گرایی و نامشخص بودن جایگاه دانشگاه ها و نهادهای علمی کشور؛

۹. ضعف پیوند اندام وار دانشگاه با جامعه؛

۱۰. شکل نگرفتن الگوی همکاری های مکمّل میان نهادهای علمی و اجرایی کشور؛

۱۱. ضعف همکاری های علمی دانشگاه ها و نهادهای علمی کشور با دانشگاه ها و نهادهای علمی خارج از کشور؛

۱۲. محدود بودن فرصت های مطالعاتی استادان و دانشجویان؛

۱۳. ضعف نظام اطلاع رسانی ؛

۱۴. ضعف رقابت صحیح میان دانشگاه ها؛

۱۵. تطابق نداشتن نوع و محتوای برنامه های آموزشی _ پژوهشی با نیازهای داخلی و اقتضاهای جهانی ؛

۱۶. گسستگی زنجیره پژوهش، آموزش، علم، فن آوری و توسعه؛

۱۷. جدایی میان علم و عمل و علم و توسعه؛

ص:۶۴

۱۸. نارسایی روش های تولید، تبادل، ترویج و اجتماعی کردن دانش علمی ؛

۱۹. غلبه آموزش بر پژوهش و نبود تناسب منطقی میان آنها؛

۲۰. رشد کمی و بی رویه آموزش عالی ؛

۲۱. ناکارآیی نظام گزینش دانشجو، استاد و کارکنان دانشگاهی ؛

۲۲. هدایت نشدن درست استعدادها در مسیر نیازها و ضرورت های علمی ـ تخصصی کشور؛

۲۳. فرار مغزها؛

۲۴. خروجی های ضعیف و ناکارآمد؛

۲۵. بی کاری یا اشتغال کاذب دانش آموختگان؛

۲۶. ضعف عملکرد دانشگاه ها و مراکز علمی در تولید، تبادل، ترویج و اجتماعی کردن دانش علمی نوین؛

۲۷. افت کیفیت آموزشی و پژوهشی ؛

۲۸. ضعف نظام صحیح ارزش یابی عملکردها بر اساس استانداردها و معیارهای کمّی و کیفی مناسب؛

۲۹. مبهم بودن اهداف و راهبردهای بلندمدت و نبود برنامه ریزی های صحیح توسعه علمی ؛

۳۰. فضای کالبدی نامناسب با اهداف و وظایف دانشگاه ها و نهادهای علمی ؛

۳۱. نبود یا کمبود امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی لازم؛

۳۲. وجود موانع کلان در سطح جامعه ملی و بین المللی .

ب) در حوزه اقتصادی

ص:۶۵

اول _ کمبود سرمایه گذاری در بخش علمی و پژوهشی ؛

دوم _ غلبه بخش دلالی بر بخش تولیدی و احساس بی نیازی به خردگرایی و جذب نیروی تخصصی ؛

سوم _ رعایت نشدن اصول گرایی ؛

چهارم _ استفاده نکردن کافی بخش اقتصاد از توان علمی موجود در کشور؛

پنجم _ ناتوانی در جذب نیروهای متخصص ایرانی خارج از کشور؛

ششم _ ضعف تعامل ارگانیک میان مراکز علمی و حوزه اقتصاد؛

هفتم _ بهره مند نشدن کافی دانشگاه از منابع مالی بخش اقتصاد؛

هشتم _ بهره مند نشدن بخش اقتصادی از نیروی فکری نهادهای علمی داخلی .

ج) در حوزه سیاسی

اول _ ناکارآمدی تصدی گری دولتی در امور علمی ؛ دولت ها برای انجام دادن امور علمی، بسیار بزرگ و برای توسعه کشور، بسیار کوچکند. امور علمی _ تخصصی باید به وسیله نهادهای علمی و توسعه باید با مشارکت مردم صورت گیرد.

دوم _ ضعف سازمان دهی نیروها در جهت توسعه علمی روز، ناهماهنگی و ناهم سویی ؛

سوم _ غلبه روابط اداری بر ضوابط علمی ؛

چهارم _ پایین بودن میزان مشروعیت مدیران بخش های علمی از نظر کنش گران علمی ؛

پنجم ـ ضعف مشارکت گروهی درعملی شدن اهداف جمعی علمی در ایران.

د) در حوزه اجتماعی

اول ـ ضعف همکاری های اندام وار میان نهادهای علمی و نهادهای سیاست گذاری و اجرایی کشور (شکل نگرفتن رابطه ای نظام مند)؛

دوم ـ ضعف تعهد گروهی در برابر اصول و قواعد کار و فعالیت در حوزه علم و اخلاق حرفه ای ؛

سوم ـ ضعف ضمانت اجرایی قوانین و مقررات؛

چهارم ـ قانون گرایی و قانون ستیزی ؛

پنجم ـ ضعف تعهد بخش های اجرایی در تأمین نیازهای مالی دانشگاه ها و مراکز علمی ؛

ششم ـ ضعف تعهد دانشگاه ها و مراکز علمی در تأمین نیازهای علمی ـ تخصصی بخش مالی و اجرایی ؛

هفتم ـ ضعف همکاری دانشگاه ها و نهادهای علمی با نهادهای مدنی مستقل داخلی و خارجی .

هـ) در حوزه فرهنگ

اول ـ گسست های تاریخی ـ فرهنگی ؛

دوم ـ بازیابی نشدن و رشد نیافتن سنت های علم جویی و عالم پروری موجود در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی ؛

سوم ـ رایج نشدن سنت خردگرایی در برخورد با امور؛

چهارم ـ ضعف فرهنگ علمی و رواج روحیه مدرک گرایی ؛

ص:۶۷

پنجم ـ بی ارزش بودن نوآوری و اختراع داخلی (بی اعتنایی به نتایج پژوهش های جامعه علمی کشور)؛

ششم ـ ضعف اعتماد متقابل میان بخش علمی و بخش اجرایی ؛

هفتم ـ نبود ساز و کارهای مؤثر ملی برای هدایت پژوهش ها در چارچوب اولویت های تعیین شده؛

هشتم ـ ضعف آینده نگری و نبود آمادگی فکری لازم برای رویارویی با مسائل در دیگر زمینه ها؛

نهم ـ چشم داشت های متناقض از دانشگاه ها و مراکز علمی ؛

دهم ـ نبود تفکیک ساختاری و کارکردی میان حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ؛

یازدهم ـ ضعف همکاری های علمی، آموزشی و پژوهشی نهادهای علمی ایران با نهادهای علمی دیگر کشورها در سطح منطقه ای و جهانی.(۱)

در این پژوهش، بیشتر موانع و آسیب های تولید علم با عنوان «موانع توسعه علمی ایران» بیان شده است. گرچه به بخش هایی از این پژوهش، ایرادهایی وارد است، ولی چون پژوهش جامعی است، به دلیل امانت داری، تمامی موانع را نقل کردیم. باید دانست هر یک از این موارد، سرفصل پژوهش مستقلی است و باید درباره آنها پژوهش های علمی ـ راهبردی مفصلی صورت گیرد.

موانع جنبش نرم افزاری از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱- [۱] . فصل نامه علم و آینده، بهار ۱۳۸۱، ش ۱، بخش سخنرانی، میزگرد و مصاحبه، صص ۴ـ۱۳.

رهبر انقلاب در نامه خود، موارد چندی را به عنوان موانع تولید علم و جنبش نرم افزاری بیان کرد. آنچه در بخش های پیشین، با عنوان موانع و آفت تولید علم بیان شد، آسیب هایی است که در کلام رهبری نیز متجلی شده است. در اینجا موانعی را که ایشان در نامه خود آورده است، بیان می کنیم:

۱. ناامیدی و شتاب زدگی ؛

۲. جدال و مراء به جای مناظره و گفت وگوی علمی و منطقی ؛

۳. سیاست زدگی و سیاست زدایی ؛

۴. حضور صاحبان قدرت، ثروت و تریبون در عرصه فرهنگ و اندیشه؛

۵. پایین آمدن ضریب علمی و ناپختگی در نظریه های جدید؛

۶. فرو کاستن سطح گفت وگوها و گرایش های تبلیغاتی و عوامانه؛

۷. دچار شدن به فرسایش اداری در مراحل اجرایی .

آسیب های افراطی

۱. خودباختگی و تقلید؛

۲. گرداب هرزگی و کفرگویی ؛

۳. هرج و مرج؛

۴. فرهنگ آزادی بی مهار و خودخواهانه غربی .

آسیب های تفریطی

۱. جمود و تحجر؛

۲. دیکتاتوری ؛

۳. مرداب سکوت و سکون؛

۴. فرهنگ خفقان.

ص:۷۰

فصل چهارم: راه کارهای پیشبرد جنبش نرم افزاری

اشاره

راه کارهای گوناگونی برای برطرف کردن موانع پیش روی تولید علم و توسعه علمی کشور می توان ارائه کرد. در بخش راه کارها نیز بر اساس همان دسته بندی، در بحث موانع راهبردهایی را برای برداشتن موانع مطرح خواهیم کرد، ولی پیش تر باید یک تقسیم و طرح کلی از راه کارها ارائه شود.

راه کارها، مقدمه ای برای راهبردها هستند. راه کارها در یک تقسیم بندی به کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم پذیرند.

نخستین گام پیش از تعیین راه کارها، تبدیل شدن جنبش نرم افزاری به یک باور عمومی است. تنها راه ایجاد ایرانی آزاد و سربلند، تولید علم و توسعه علمی همراه با تعالی معنوی است، ولی پیش از هرچیز، این امر باید به باور همگانی در جامعه تبدیل شود.

مشکل اصلی در جنبش نرم افزاری، نبود خودآگاهی جمعی در زمینه تولید علم است. تاکنون پیشرفت های علمی زیادی صورت گرفته، ولی راه نرفته هنوز طولانی است. باید جامعه را از کارهای انجام شده آگاه ساخت و عزم عمومی را برای پیمودن گام های بعدی بسیج کرد.

در باور عمومی، راه کار اصلی، تقویت سطح فرهنگ سازی جامعه است. به عنوان یک راه کار اصلی، باید این گام را پیش تر از گام های دیگر برداشت.

ص:۷۱

در ادامه، راه کارهای مورد نظر را، متناسب با موانع مطرح شده بیان می کنیم.

۱. راه کارهای معرفتی

پیش تر گفته شد که جنبه معرفتی، مربوط به نهادهای علمی کشور یعنی حوزه و دانشگاه می شود. در عرصه علوم حوزوی باید با برداشت و تفسیر درست آموزه های دینی درباره علم اندوزی زمینه را برای رشد و تولید در همه بخش های علوم دینی فراهم آوریم. وظیفه اصلی در این بخش، بر عهده فرهیختگان حوزوی است. پس از ایجاد زمینه هایی در تغییر نگرش کلان به علوم دینی، همت همه حوزویان نباید در علوم فقهی و اصولی صرف شود، بلکه در دیگر شاخه های علوم اسلامی نیز به همان اندازه باید تلاش و تولید صورت گیرد. باید انجمن های علمی را در بخش های مختلف علوم دینی ایجاد کرد. باید این برداشت نادرست را که بحث از تولید علم، بحث علمی صرف است، جای گزین این نگرش کرد که بحث از جنبش نرم افزاری، دکترین اساسی انقلاب اسلامی است. پس باید این اندیشه که فلسفه انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی و تولید علم است، در مراکز علمی نهادینه شود. همچنین باید این نگرش را در جامعه دانشگاهی کشور رواج داد که با توجه به جهان بینی اسلامی، به تولید علوم دست بزنیم، نه با نگرش و جهان بینی سکولار. باید نگاه ما به علوم دانشگاهی تغییر کند و تولید علوم دینی را به معنایی که در مبحث علم دینی آمد، بپذیریم.

ص:۷۲

۲. راه کارهای فرهنگی

مهم ترین مانع فرهنگی، نبود باور عمومی در زمینه تولید علم در جامعه است. ازاین رو، گفته شد برای رسیدن به ایرانی آزاد و آباد، باید مسئله جنبش نرم افزاری به یک باور عمومی تبدیل شود.

راه کار اساسی در این زمینه فرهنگ سازی تولیـد علم است. این هدف، روش های گوناگونی دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) تأکید بر مسئله اعتماد به نفس و ایمان به سیاست راهبردی «ما می توانیم»، چنان که در برهه ای از تاریخ، چنین واقعیتی رخ داد. بیـان واقعیت هـای تـاریخی برای دانش آموزان و دانشـجویان و طلاب به صورت های گوناگون در این امر، اثرگـذار خواهد بود.

ب) جلوگیری از روحیه ترجمه محور بودن جامعه علمی کشور. باید به صورت جدّی، روحیه تقلید و خودباختگی را از جامعه دانشگاهی بزداییم و نهضت ترجمه از غرب را با مراقبت و هدایت بیشتری در جامعه رواج دهیم.

ج) بیان آموزه های قرآنی و روایی در مورد اعتماد به نفس و پرهیز از خودباختگی در میان عموم جامعه؛

د) معرفی مفاخر بزرگ جهان اسلامی، به ویژه ایران اسلامی ؛

ه…) ترویج روحیه پرسش گری و طرح پرسش های بیشتر در جامعه؛

و) نهادینه سازی روحیه نقد علمی با رعایت حریم اخلاق علمی در جوامع علمی کشور؛

ص:۷۳

ز) به راه انداختن سنت تضارب آرا میان اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی ؛

ح) ایجاد محافل علمی برای همکاری بیشتر میان اندیشمندان هم عصر؛

ط) از میان بردن روحیه مدرک گرایی با تأکید بر ارزش علم و نقش تولید علمی ؛

ی) تأکید بر ارزش زمان و بهره گیری از اوقات فراغت تحصیلی در کنار در نظر گرفتن راه کارهایی برای کم کردن تعطیلات رسمی کشور؛

ك) ایجاد شرایطی برای افزایش امید به آینده.

۳. راه کارهای سیاسی

در بخش موانع به موضوع سیاست زدگی اشاره شد. راه کارهایی که در این زمینه به نظر می رسد، عبارتند از:

الف) خط نگرفتن جامعه علمی از گروه ها و جناح های سیاسی و تبدیل نهادهای علمی کشور به مرکز هدایت جریان های سیاسی ؛

ب) حذف نگرش سیاسی به بحث های علمی ؛

ج) مطرح نشدن بحث های علمی در فضاهای غیر علمی .

۴. راه کارهای اقتصادی

الف) اختصاص دادن بودجه بیشتر به فعالیت های پژوهشی ؛

ب) ایجاد امنیت شغلی برای استادان و پژوهشگران و رفع معضل بی کاری در جامعه علمی کشور؛

ج) سرمایه گذاری مناسب و عادلانه در بخش های مختلف علمی . در جامعه ما، گاهی سرمایه گذاری های علمی، ناعادلانه است. دانشگاه های

بزرگ در شهرهای بزرگی مثل تهران وجود دارد، ولی بسیاری از شهرها از چنین امکان هایی بی بهره اند.

د) بهره مند کردن جامعه علمی از امکانات و تجهیزات علمی ــ پژوهشی روزآمد.

۵. راه کارهای ساختاری و مدیریتی

الف) تغییر ساختار آموزشی کشور بر اساس توجه به تعالی معنوی انسان ها. پیش تر بیان شد که نوع نگاه نظام آموزشی کشور ما بر اساس رویکردها و نگرش های غربی است. هر چند برخی از این رویکردها پس از انقلاب دگرگون شده است، ولی هنوز لایه های زیرین نظام تعلیم و تربیتی ما سکولار می اندیشد. باید اساس این اندیشه را دگرگون سازیم و ساختارهای آموزشی ــ تربیتی را بر اساس الگوهای رفتاری دینی شکل دهیم.

ب) ایجاد فرهنگ کار، اجتهاد و نوآوری ؛

ج) تأکید بر جنبه پژوهش و تغییر نگرش از آموزش محوری به پژوهش محوری ؛

د) مدیریت درست منابع و استعدادهای درخشان و شناسایی و جذب استعدادهای نخبه؛

هـ) سازگار کردن نهادهای علمی کشور با نیازهای اصلی جامعه؛

و) محور قرار دادن علم و عالم در جامعه؛

ز) پشتیبانی مادی و فکری از پژوهشگران؛

ح) طراحی نظام مدرسه های ویژه برای نخبگان؛

ط) باز خوردگیری پیوسته از اندیشه های تولیدشده؛

ی) پشتیبانی و ارتقای نشریه های علمی، تخصصی، پژوهشی و ترویجی ؛

ک) ایجاد فضای نقد و بررسی آرا در مراکز علمی ؛

ل) جهت دهی به درس های دانشگاهی و حوزوی با نگرش به تولید علم؛

م) توجه بیشتر به موضوع پایان نامه نویسی در مراکز علمی .

راه کارهای بیان شده را باید به صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت پی گیری کرد. همچنین بحث تولید علم را باید همگانی ساخت تا به باور عمومی تبدیل شود. به ویژه نخبگان و رسانه های گروهی باید شرایط را به گونه ای فراهم کنند که موضوع تولید علم، به برنامه رسمی کشوری تبدیل شود. در این میان، باید دقت کرد که جنبش نرم افزاری و تولید علم کاملاً دولتی نشود. البته کمک و همراهی دولت و جهت دهی علمی به نخبگان حوزوی و دانشگاهی لازم است، ولی این کار نباید کاملاً دولتی شود. همچنین باید از ظرفیت های موجود در نهادهای علمی کشور، بیشترین استفاده را برد و از ایجاد نهادهای موازی و پرداختن به کارهای تکراری پرهیز کرد.

۶. راه کارهای مطرح شده در نامه مقام معظم رهبری

راه کارهای لازم برای ایجاد جنبش نرم افزاری در نامه رهبر انقلاب عبارتند از:

الف) فراهم ساختن فرصت بیشتر برای نظریه پردازان و نقد و بررسی ایده های آنان به وسیله اهل فن در محضر وجدان علمی جامعه؛

ب) ایجاد تضارب آرا و گسترش فضای انتقادی سالم؛

ج) ایجاد رقابت میان ایده ها و اندیشه ها و تشکیل مناظره های قانون مند با حضور هیئت داوری علمی ؛

د) گفت وگوی آزاد و برقراری امنیت لازم برای شجاعت در نظریه پردازی ؛

ه) تقدیر از نظریه سازان و نوآوران و تبدیل تولید نظریه و فکر به عنوان یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه؛

و) تدوین قواعد و روش های علمی و معقول برای گفت وگوی علمی و نظریه سازی .

این راه کارها و زمینه ها باید در قالب چارچوب هایی باشد که در نامه رهبر بدان ها تصریح شده است. چارچوب ها و محدوده های آزادی و نظریه پردازی، موارد زیر است:

الف) وفاداری به اصول؛

ب) التزام به منطق و روش مندی علمی ؛

ج) رعایت اخلاق و ادب استفاده از آزادی ؛

د) رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران.

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

اشاره

امروزه رسانه های گروهی، یکی از اصلی ترین ابزارهای فرهنگ سازی و جامعه پذیری به شمار می روند. رسانه ها می توانند ارزش های فرهنگی جامعه را دگرگون کنند و با برنامه ریزی دقیق و هدایت شده، اندیشه ها و سپس رفتار مردم یک جامعه را برابر خواست خود شکل دهند. در واقع، رسالت مهم رسانه، هدایت و رشد افکار عمومی است.(۱)

رسانه ها به دلیل کارکردهایشان، اثری ماندگار و انکار ناپذیردارند تا جایی که اندیشمندان علوم اجتماعی، آنها را در ردیف عوامل اجتماعی کردن و شکل دادن شخصیت افراد برمی شمرند. آنان بر این باورند که رسانه های گروهی می توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت یا تضعیف سازند.(۲)

_ژان کازنو _از کارشناسان و پژوهشگران ارتباطات درباره وسایل ارتباط جمعی می نویسد:

ورود وسایل ارتباط جمعی باعث شکستن محدوده های جغرافیایی می شود

۱- [۱] . جواد فخار طوسی، امام خمینی رحمه الله و رسانه های گروهی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۸ _ ۱۰.

۲- [۲] . بروس کوئن، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس: غلام عباس توسلی و رضا فاضلی، تهران، سمت، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲.

و شکستن پوسته های محدوده های بسته جغرافیایی می توانـد به سطحی سازی فرهنگی و یکسان شـدن الگوها و اندیشه ها بینجامـد. بـا ورود وسایل جمعی به همه زوایای یک جامعه، هم بستگی ملی بسط و قوام می یابـد. قبیله های دور افتاده یا یک روستای دور دست، از تعلق خود به یک واحد ملی آگاهی می یابند و تبادل آگاهی بین آنان، زمینه های بسط این تعلق را در عمل فراهم می سازند.(۱)

در میان رسانه ها، رادیو و تلویزیون از نقش ویژه ای برخوردارنـد. «رادیو و تلویزیون به عنوان عمومی ترین وسایل مخابراتی ـ ارتباطی، صدها میلیون انسان را در سراسر کره زمین به خود مشغول داشته اند. این دو وسیله ارتباطی، در هر صدا یا تصویری که منتشر می کنند، در مفهوم عام خویش، پیامی فرهنگی دارند».(۲)

از نظر جامعه شناسان ارتباطات، رادیو و تلویزیون از رسانه های سریع به شمار می آیند.(۳) در میان این دو، تلویزیون به دلیل امکـان دست رسی ارزان، آسـان و گسترده و به ویژه اسـتفاده از جـذابیت های گوناگون در مقایسه با دیگر رسانه ها، اهمیت ویژه ای دارد. با توجه به این ویژگی مهم، اهمیت صدا و سیما در فرهنگ سازی مشخص می شود. از همین رو، حضرت امام

ص:۷۹

۱- [۱] . ژان کـازنو، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵.

۲- [۲] . جمیز دبلیو کری، ارتباطات و فرهنگ، ترجمه: مریم داداشی، تهران، انتشارات سبز آسیا، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۱۸.

۳- [۳] . رسانه ها در یک دسته بنـدی به رسانه های سریع و کنـد تقسیم می شوند. بر اساس این تقسیم، رادیو و تلویزیون و روزنـامه هـا و مجلات، رسـانه هـای سریع هستند و رسانه های کنـد عبارتنـد از: فیلم، نمایشـگاه، آموزش زبان و مبادله های دانشـگاهی و هنری؛ نـک: سون وینـدال و دیگران، کـاربرد نظریه هـای ارتباطـات، ترجمه: علی رضـا دهقان، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۲۶۶.

خمینی رحمه الله از رسانه ملی به «دانشگاه عمومی »(۱) یاد می کرد.

امروزه اهمیت رادیو و تلویزیون به عنوان «جادوی هزاره سوم» بر هیچ کس پوشیده نیست. رادیو و تلویزیون به عنوان رسانه جمعی و وسیله فنی، در رشد افراد جامعه اثر فراوانی دارند و بر قوای حسی، فکری و عقلانی شخص می افزایند.(۲)

بر این اساس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به جایگاه رادیو و تلویزیون توجه ویژه ای شد. برای مثال، در دیباچه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون) بایستی برای روند تکامل انقلاب اسلامی، در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه، از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.(۳)

ازاین رو، رسانه ملی می تواند تأثیر فراوانی در شکل دهی افکار و کردار مردم داشته باشد، بلکه پرقدرت ترین رسانه و اثرگذارترین شکل دهنده افکار عمومی، رادیو و تلویزیون هستند. حضرت امام در مورد اهمیت تلویزیون فرمود:

۱- [۱] . امام خمینیره، صحیفه امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹، ص ۳۹۹.

۲- [۲] . فرانتس فانون، سال پنجم انقلاب الجزایر، ترجمه: دکتر تابنده، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا، ص ۸۴ .

۳- [۳] . سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم، مجتمع آموزشی عالی قم، ۱۳۷۵، ج۲، ص۶۱۹.

تلویزیون، مهم ترین و حساس ترین رسانه تبلیغی در همه نظام ها به خصوص نظام جمهوری اسلامی است.(۱)

پیشنهادهای کلان

۱. تبدیل جنبش نرم افزاری به باور عمومی

پیش تر به اهمیت تولیـد علم و توسـعه علمی کشـور اشـاره کردیم و بیـان شـد که طرح جنبش نرم افزاری در این برهه زمـانی، دکترین جدیـد نظـام اسـلامی و حتی فلسـفه انقلاـب اسـلامی است. بـا توجه به اینکه رسـانه ملی در سـطحی گسترده، با افکار عمومی ارتباط دارد و نقش بسـیار مهمی در فرهنگ سازی جامعه های امروزی بر عهـده دارد، می توانـد در تبـدیل کردن این جنبش به فرهنگ عمومی، بسیار نقش آفرین باشد.

رادیو و تلویزیون، پـل هـای ارتبـاطی هسـتند که در انتقـال هر گونه پیـامی نقش دارنـد. با توجه به توانایی های بالقوه و بالفعل رسـانه ملی و سـطح گسترده مخاطبـان، می توان گفت رسـانه ملی یکی از مهم ترین عوامل تبـدیل کردن جنبش تولیـد علم به فرهنگ عمومی و باور همگانی است.

رسانه ملی در معرفی و بیان اصل جنبش و مطرح کردن ضـرورت آن می تواند أثرگذار باشد. می توان گفت وظیفه اصـلی در کنـار وظایفی که فرهیختگان بر عهـده دارنـد، متوجه صـدا و سـیما است. رسانه ملی بایـد در قالب برنامه های علمی برای توده مردم جامعه، این مهم را اجرایی کند.

ص:۸۱

۱- [۱] . صحیفه نور، ج ۲،ص

ترویج فرهنگ علمی و همگانی کردن علوم در جامعه، با بهره گیری از آموزه های دینی و علمی در قالب های مختلف برنامه سازی باید جزو سیاست های کلان سازمان صدا و سیما قرار گیرد.

۲. تبیین هویت ملی _ اسلامی

در زمینه اثرگذاری تعیین کننده تمدن اسلامی در انقلاب علمی عصر حاضر و پیدایی تکنولوژی و تمدن جدید غربی، پیش تر مطالبی بیان شد. می دانیم که احیای گذشته تاریخی با روش های گوناگون، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. حفظ تاریخ علمی گذشته، بخشی از هویت ملی _ اسلامی ما را شکل می دهد. یکی از راه های حفظ آن نیز تدوین تاریخ علم است که باید در دوره های مختلف آموزشی در مدرسه، حوزه و دانشگاه، آموزش داده شود تا همگان از پیشرفت های علمی ایران اسلامی و جهان اسلام آگاه شوند.

راه کار دیگر حفظ این هویت، تبیین آن در رسانه ملی است. در برنامه های گوناگون صدا و سیما و در قالب های مختلف می توان این مهم را عملی ساخت. باید گروه های تاریخ در رادیو و تلویزیون فعال شوند و جایگاه والای گذشته علمی کشورمان را با زبانی متناسب برای مخاطبان بازگو کنند.

در این بخش، بیشترین سرمایه گذاری برنامه سازی باید برای دو قشر کودک و نوجوان صورت گیرد. در میان گروه های مختلف جامعه، گروه سنی کودک و نوجوان کاملاً تحت تأثیر رسانه ها، به ویژه تلویزیون هستند و این امر به دلایلی قابل توجه است. پیام های رسانه های گروهی، به هنگام

برخورد بـا انسان های بالغ که دارای ذهنی ساخته و پرداخته هسـتند، کمتر اثرگذارنـد؛ زیرا هر انسانی سازوکار دفاعی خاصـی برای خود دارد، ولی این امر دربـاره کودکـان صـادق نیست. ذهن کودک، ساده و بـدون شـبکه به هم پیوسـته ای، متشـکل از انـدیشه ها و باورهاست. ازاین رو، وقتی کودکان بـدون هیـچ گونه مراقبتی، در معرض اثرگذاری رسانه های گروهی قرار می گیرند، به شدت تأثیر می پذیرند.(۱) بنابر تأکید روان شـناسان و جامعه شـناسان، شخصیت افراد بیشتر در سه تا دوازده سالگی شکـل می گیرد و سـپس در محیط اجتماعی ظهور می یابـد.(۲) پس در میـان مخاطبان صـدا و سـیما، خردسالان و کودکان و نوجوانـان، آمـاده ترین گروه ها برای پـذیرش مفاهیم گوناگون هسـتند. ازاین رو، بایـد با انتخاب گروه های تخصصـی، برنامه های ویژه ای درباره هویت ملی ـ دینی، برای این قشرهای آینده ساز تولید کرد.

جنبه دیگر در بخش تبیین هویت ملی ـ اسـلامی، به هـدف اساسـی انقلاـب اسـلامی ؛ یعنی انقلاـب فرهنگی مربوط می شود. ناآشـنایی نسـل جوان بـا مسائـل تاریخی ایران پیش از انقلاب و چرایی پیـدایی انقلاب، از آسـیب هایی است که هویت ملی و مـذهبی ما را تهدیـد می کنـد. اگر نسل جوان جامعه، با تاریـخ مبارزاتی صـد ساله اخیر و نیز واقعیت های پیـدا و پنهان دوران حکومت های طاغوتی گذشـته آشـنا نباشـد، از چگونگی و چرایی شـکل گیری انقلاب و نیز اهمیت آن آگاه نخواهـد شد. از همین رو، رسانه

۱- [۱] . جامعه شناسی ارتباطات، ص ۱۷۷.

۲- [۲] . جمعی از نویسندگان، زمینه روان شناسی، ترجمه: سعید شاملو و دیگران، تهران، رشد، ج ۲، ص ۷۳.

ملی در بیان وضعیت ایران در زمان حاکمیت های قاجار و پهلوی، به ویژه در بعد علم محوری وظیفه مهمی بر عهده دارد. باید برنامه های گوناگونی در قالب های مختلف فیلم، سریال، مستند، داستان و... در این زمینه تولید و پخش شود. همچنین رسانه ملی می توانـد در قالب های گوناگون برنامه سازی، علل انحطاط مسلمانان را در برهه های مختلف تاریخی بررسی کند و به مخاطبان و جوانان درباره تکرار آن علت ها در آینده هشدار دهد.

۳. ضرورت آشنایی برنامه سازان با جنبش نرم افزاری

درباره اهمیت جنبش نرم افزاری به عنوان دکترین جدیـدی برای نظام جمهوری اسلامی با توجه به آنچه بیان کردیم، سیاست کلی رسانه ملی باید در راستای این هدف انقلاب اسلامی قرار گیرد به دیگر سخن، رشد علمی و هدایت جامعه به سوی تولید علم باید جزو سیاست های کلان و راهبردی سازمان صدا و سیما باشد.

البته پیش تر باید ضرورت جنبش نرم افزاری را برای برنامه سازان مشخص ساخت. این وظیفه مهم، بر عهده سیاست گذاران صدا و سیماست که با نشست های توجیهی کارشناسانه، برنامه سازان را از این مقوله آگاه سازند. در مراحل بعدی باید برنامه سازی های سازمان به سمت تولید و توسعه علمی کشور جهت یابد.

۴. تبیین آسیب ها و آفت های جنبش نرم افزاری

رادیو و تلویزیون در بخش های مختلف و در قالب های گوناگون می توانند در طرح آسیب ها نقش مهمی ایفا کنند. همچنین با ایجاد کرسی های مناظره و برنامه های تخصصی در قالب میزگرد با حضور کارشناسان مختلف

حوزوی و دانشگاهی، می توان آسیب های پنج گانه را در جنبه های معرفتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ساختاری بررسی کرد.

همچنین برنامه سازی در قالب فیلم و سریال و داستان، در بیان برخی آسیب ها اثرگذار هستند؛ زیرا شکل و قالب هنری، بهترین شیوه برای طرح ایده ها و مشکلات است.

۵.ارزیابی فراگیر عملکرد صدا و سیما

رسانه ملی در راستای جنبش نرم افزاری، گام های مثبتی برداشته، مانند برگزاری همایش سالیانه تجلیل از چهره های ماندگار که قابل ستایش است. یکی دیگر از کارهای مثبت سیما در زمینه جنبش نرم افزاری، ساخت برنامه «گستره شریعت» بود. این برنامه که از شبکه چهارم سیما پخش شد، رضایت بسیاری از بزرگان حوزوی و دانشگاهی را درپی داشت. پس باید در ساخت چنین برنامه هایی، سیاست گذاری های مثبت صورت گیرد. البته اصل راه اندازی شبکه چهارم سیما را نیز که بیشتر به علم و فن آوری اهمیت می دهد، می توان در راستای تولید علم و جنبش نرم افزاری دانست.

همچنین در بخش صدا می توان به راه اندازی رادیو فرهنگ و رادیو معارف اشاره کرد. این دو رادیو، برنامه های مثبتی در زمینه تولید علم پخش کرده اند که قابل قدردانی است.

ساخت سریال ها و فیلم های مختلف از شخصیت های علمی و فرهنگی ایران اسلامی، همچون ابن سینا، ملاصدرا و شیخ بهایی از جمله گام های مثبت سازمان در راستای جنبش نرم افزاری و تبیین و معرفی گذشته تاریخی

ص:۸۵

ایران بوده است. باید با اختصاص بودجه های بیشتر، گام های اساسی تری در این زمینه برداشته شود.

پیشنهادهای برنامه سازی

اشاره

باید شبکه های رادیویی و تلویزیونی، جهت گیری بخشی از ساعات برنامه های خود را تولید و توسعه علمی کشور قرار دهند و این امر را به صورت باور همگانی درآورند. در برخی برنامه ها، این هدف را می توان برجسته تر ساخت و به صورت سوژه خاص در مورد آن برنامه سازی کرد. در این زمینه به چند مورد اشاره می کنیم.

۱. تشکیل میزگردهای علمی و تخصصی با حضور کارشناسان حوزه و دانشگاه

پیش از ساخت هرگونه برنامه ای و در هر قالبی اعم از فیلم، سریال، گزارش و...، مطالعه کافی و گشودن کامل زوایای گوناگون بحث جنبش نرم افزاری برای شفاف سازی، ضروری به نظر می رسد. برگزاری میزگردهای علمی، این هدف را برآورده می سازد.

متأسفانه در اجرای میزگردها در رسانه ملی، ضعف هایی دیده می شود. شایسته است تهیه کنندگان و کارگردان های برگزاری میزگردهای تلویزیونی و نیز سردبیران رادیو در بخش میزگرد، به دو نکته اساسی توجه کنند:

۱. از کسانی در میزگردها دعوت کنند که از موضوع میزگرد، آگاه باشند و به جنبه های گوناگون بحث توجه کنند و نوع بیان و گویش آنان نیز رسانه ای باشد.

ص:۸۶

۲. مجری کارشناسی که گرداننده میزگرد است، باید بر موضوع مورد نظر احاطه علمی کافی داشته باشد. متأسفانه در برخی از برنـامه های علمی که فقط مجری و میهمان فرهیخته در یک علم حضور دارنـد، مجری در تمامی موضوع های علمی، یک نفر است و تخصـص لازم را نـدارد.این امر را می توان پیش از برگزاری میزگرد و به کمک گروه کارشـناسان برنامه و نیز مجری کارشـناس برطرف سـاخت. شـبکه چهارم سـیما در «گستره شـریعت»، رادیو معارف در «نقـد و نظر» و رادیو فرهنگ در برخی برنامه ها عملکرد خوبی در این زمینه داشته اند.

۲. ساخت فیلم، سریال و مستند

مخاطبان فیلم و سـریال، عموم مردم هسـتند، برخلاف میزگردهای علمی ـ تخصصـی که مخاطبان خاص دارد. چون در فیلم و سریال از جاذبه های هنری اسـتفاده می شود، توده مردم، طرفدار آن هستند. ازاین رو، باید تهیه کنندگان و کارگردانان هنری، پیش از ساخت فیلم، از نظرهای گروه کارشـناسان استفاده کنند تا پس از بررسی کارشناسانه موضوع و برطرف شدن ابهام ها، موضوعی متناسب با جنبش نرم افزاری را به فیلم و سریال یا مستند تبدیل کنند.

۳. تهیه گفت وگو و گزارش

گزارشـگران می توانند در گفت وگو با اسـتادان حوزه و دانشـگاه، نظرهای آنان را برای عموم مردم و مسـئولان بازتاب دهند. همچنین می توانند با تهیه گزارش از طلبه ها و دانشجویان و دانش آموزان، مشکلات و موانع تولید و

توسعه علمی را بررسی کنند و در گفت و گو با مخترعان و نوآوران، پیشرفت علمی آنان را به عنوان الگو برای دیگران پخش کنند.

۴. پخش همایش های تخصصی

قالب دیگری که می توان آن را در رسانه ترویج داد، پخش همایش های علمی ـ تخصصی در موضوع های گوناگون است، چنان که شبکه چهارم سیما و برنامه «اندیشه ها» در رادیو معارف به چنین کاری می پردازند.

۵. اقتراح

قالب اقتراح را نیز می توان به قالب های برنامه سازی افزود. متأسفانه از این قالب، کمتر استفاده می شود. اقتراح، برنامه ای است که موضوعی را با چند کارشناس گوناگون به صورت مستقل، به گفت و گو می گذارند و با هنرمندی کارگردان تلویزیونی یا سردبیر رادیویی، با کنار هم قرار دادن پاسخ های گوناگون آنان به یک پرسش، آنها را برای مخاطبان پخش می کنند.

پرسش های مردمی

۱. جنبش نرم افزاری چیست؟

۲. مقصود از باور علمی چیست ؟

۳. چه نمونه هایی از تولید علم در کشورمان سراغ دارید؟

۴. آیا امروزه در کشور ما اخلاق علمی بر بحث های علمی، حاکم است؟

۵. علت فرار مغزها چیست؟ این پدیده پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزایش یافته یا کاهش یافته است؟

ص:۸۸

۶. زندگی مبتکران و پژوهشگران را از نظر اقتصادی چگونه ارزیابی می کنید؟

۷. مدرک زدگی چیست؟ آیا مدرک زدگی در نهادهای علمی ما به چشم می خورد؟

۸. وضعیت پژوهش ها و پایان نامه ها را در کشور چگونه ارزیابی می کنید؟

۹. برای اینکه کشورمان در جهان به جایگاه بلند علم ودانش برسد، چه راه کارهایی پیشنهاد می کنید؟

۱۰. جوانان در رسیدن کشورمان به قله های علمی در جهان چه نقشی دارند؟

۱۱. چه موانعی پیش روی جوانان نخبه جهت تولید علم وجود دارد ؟

۱۲. چند تن از مفاخر علمی کشورمان را می شناسید؟

پرسش های کارشناسی

۱. چرا پس از سپری شدن بیست و پنج سال از انقلاب اسلامی، مسئله جنبش نرم افزاری تازه مطرح شده است؟

۲. ارتباط جنبش نرم افزاری با انقلاب فرهنگی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی چیست؟

۳. چه ضرورتی برای طرح اصل مسئله جنبش نرم افزاری می بینید؟

۴. آیا مشکل را در فقر نرم افزاری می دانید یا در نبود مدیریت درست نرم افزارهای موجود؟

ص:۸۹

۵. تولیدهای نرم افزاری فردی مطلوب است یا تولیدهای نرم افزاری اجتماعی ؟

۶ . نظام آزاداندیشی و ایده پردازی را در کشور چگونه ارزیابی می کنید؟

۷. وضعیت پژوهشی کشور چگونه است؟ چه ضرورتی برای تحول آن می بینید؟

۸. وظیفه اصلی جنبش نرم افزاری، تولید علم در حوزه اندیشه دینی است یا در حوزه علوم تجربی و یا در همه عرصه های علمی ؟

۹. برای جبران کمبودهای نرم افزاری چه پیشنهادهایی دارید؟

۱۰. علل انحطاط مسلمانان را در مسئله تولید علم چه می دانید؟

۱۱. تولید علم دینی به چه معناست؟

۱۲. چه تفاوتی میان علم دینی و دینی شدن علوم وجود دارد؟

۱۳. تاریخ علم مدون چه ضرورتی دارد؟

۱۴.رسالت حوزه و دانشگاه در دست یابی به تولید علمی چیست؟

۱۵. همکاری دو نهاد حوزه و دانشگاه را در زمینه تولید علم چگونه ارزیابی می کنید؟

۱۶. آسیب های پیش روی تولید علم را برشمارید؟ چه راه کارهایی برای آن در نظر دارید؟

۱۷. چه شرایطی را برای فراهم شدن بسترهای نظریه پردازی لازم می دانید؟

۱۸. راه های ایجاد رقابت میان ایده ها و اندیشه ها چیست؟

۱۹. چگونه می توان فضای تضارب آرا و نظریه ها را پدید آورد؟

ص:۹۰

۲۰. نقد علمی در کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟ راه کار ایجاد آن چیست ؟

۲۱. آیا شجاعت در نظریه پردازی در جامعه علمی کشور ما وجود دارد؟ آسیب های آن چیست؟ چه راه کاری را در نظر دارید؟

۲۲. نقش حکومت در نظریه پردازی چیست؟

۲۳. برای تغییر در نظام آموزشی کشور و تحول در عرصه آموزشی چه راه هایی را پیشنهاد می دهید؟

۲۴. برای پایان نامه نویسی و پژوهش های استاندارد، چه باید کرد؟

۲۵. برای تبدیل کردن جنبش نرم افزاری به گفتمان اصلی نظام و باور همگانی، چه راه کارهایی را مناسب می دانید ؟

۲۶. برای ترویج روحیه پرسش گری در جامعه چه باید کرد؟ نقش رسانه در این زمینه چیست؟

۲۷. راه همکاری و پیوند میان فرهیختگان چیست ؟

۲۸. برای افزایش روحیه اجتهادپروری در حوزه و دانشگاه چه راه کار و راهبردی وجود دارد؟

ص:۹۱

کتاب نامه

کتاب

۱. جمعی از نویسندگان، _زمینه روان شناسی، _ترجمه: سعید شاملو و دیگران، تهران، رشد، بی تا.

۲. جوادی آملی، عبدالله، _شریعت در آیینه معرفت، _قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۳. حکیمی، محمد رضا و محمد و علی، _الحیاه، _تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.

۴. خالصه، بهرام، _فرازهایی از تاریخ علم، _مشهد، گل آفتاب، ۱۳۷۸.

۵. خوانساری، محمد، _منطق صوری، _ تهران، آگاه، چاپ هجدهم، ۱۳۷۴.

۶. دبیرخانه نهضت آزاداندیشی، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، دفتر اول، _مجموعه سخنرانی، _قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۳.

۷. رفیع پور، فرامرز، _موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن، _تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.

۸. زرین کوب، عبدالحسین، _کارنامه اسلام، _تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.

۹. سارتن، جرج، _سرگذشت علم، _ترجمه: احمد بیرشک، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

۱۰. ساروخانی، باقر، _جامعه شناسی ارتباطات، _تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.

۱۱. سروش، عبدالکریم، _علم چیست؟ فلسفه چیست؟_، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۱.

ص:۹۲

۱۲. سون، ویندال و دیگران، _کاربرد نظریه های ارتباطات، _ترجمه: علی رضا دهقان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۱۳. علی زمانی، امیر عباس، _تأملاتی در باب رابطه علم و دین در مغرب زمین، _قم، انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۰.

۱۴. فانون، فرانتس، _سال پنجم انقلاب الجزایر، _ترجمه: دکتر تابنده، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، بی تا.

۱۵. فخار طوسی، جواد، _امام خمینی _رحمه الله و رسانه های گروهی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱.

۱۶. فنایی اشکوری، محمد، _دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی، _قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷.

۱۷. _قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، _تدوین: علی خاتمی، قم، انتشارات قدس، ۱۳۷۶.

۱۸. کاپالدی، نیکلاس، _فلسفه علم، _ترجمه: علی حقی، تهران، سروش، ۱۳۷۷.

۱۹. کاپلستون، فردریک، _تاریخ فلسفه، _ترجمه: غلام رضا اعوانی، تهران، سروش، ۱۳۸۰.

۲۰. کازنو، ژان، _جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، _ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.

۲۱. کری، جیمز دبلیو، _ارتباطات و فرهنگ، _ترجمه: مریم داداشی، تهران، سبز آسیا، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۲۲. کوئن، بروس، _مبانی جامعه شناسی، _ترجمه و اقتباس: غلام عباس توسلی و رضا فاضلی، سمت، ۱۳۷۲.

۲۳. لوبون، گوستاو، _تمدن اسلام و عرب، _ترجمه: سید هاشم حسینی، بی جا، کتاب فروشی اسلامی، بی تا.

۲۴. مطهری، مرتضی، _ انسان و ایمان، _تهران، صدرا، ۱۳۷۴.

۲۵. ________________، _بیست گفتار، _قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۶۱.

۲۶. ________________، _ده گفتار، _تهران، صدرا، ۱۳۷۵.

۲۷. ________________، _مجموعه آثار استاد شهید مطهری، _تهران، صدرا، چاپ پنجم،

ص:۹۳

.۱۳۷۶

۲۸._ منشور آزاداندیشی و تولید علم، _قم، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۹. موسوی خمینی رحمه الله، روح اللّه، _صحیفه امام خمینی _رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹.

۳۰. مونتگمری وات، ویلیام، _تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، _ترجمه: حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۳۱. نصر، سید حسین، _علم و تمدن در اسلام، _ترجمه: احمد آرام، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹.

۳۲. هاشمی، سید محمد، _حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، _قم، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۵.

نشریه

۱. فصل نامه _حوزه و دانشگاه_، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۲.

۲. ویژه نامه _حوزه و دانشگاه_، کتاب دوم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.

۳. خبرنامه _نهضت آزاداندیشی و تولید علم_، شماره سوم، قم، اسفند ۱۳۸۲.

۴. فصل نامه _علم و آینده_، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱.

۵. نشریه نامه _علم و دین_، شماره اول، سال اول، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.

پایان نامه

۱. رجبی، ابوذر، تحلیل انتقادی استنتاج استعلایی در فلسفه نظری کانت، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.

.۱۳۷۶

۲۸.ـ منشور آزاداندیشی و تولید علم، ـقم، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۹. موسوی خمینی رحمه الله، روح اللّه، ـصحیفه امام خمینی ـرحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹.

۳۰. مونتگمری وات، ویلیام، ـتأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ـترجمه: حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۳۱. نصر، سید حسین، ـعلم و تمدن در اسلام، ـترجمه: احمد آرام، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹.

۳۲. هاشمی، سید محمد، ـحقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ـقم، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۵.

نشریه

۱. فصل نامه ـحوزه و دانشگاهـ، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۲.

۲. ویژه نامه ـحوزه و دانشگاهـ، کتاب دوم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.

۳. خبرنامه ـنهضت آزاداندیشی و تولید علمـ، شماره سوم، قم، اسفند ۱۳۸۲.

۴. فصل نامه ـعلم و آیندهـ، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱.

۵. نشریه نامه ـعلم و دینـ، شماره اول، سال اول، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.

پایان نامه

۱. رجبی، ابوذر، تحلیل انتقادی استنتاج استعلایی در فلسفه نظری کانت، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.

.۱۳۷۶

۲۸.ـ منشور آزاداندیشی و تولید علم، ـقم، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۹. موسوی خمینی رحمه الله، روح اللّه، ـصحیفه امام خمینی ـرحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹.

۳۰. مونتگمری وات، ویلیام، ـتأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ـترجمه: حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.

۳۱. نصر، سید حسین، ـعلم و تمدن در اسلام، ـترجمه: احمد آرام، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹.

۳۲. هاشمی، سید محمد، ـحقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ـقم، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۵.

نشریه

۱. فصل نامه ـحوزه و دانشگاهـ، شماره ۳۴، بهار ۱۳۸۲.

۲. ویژه نامه ـحوزه و دانشگاهـ، کتاب دوم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.

۳. خبرنامه ـنهضت آزاداندیشی و تولید علمـ، شماره سوم، قم، اسفند ۱۳۸۲.

۴. فصل نامه ـعلم و آیندهـ، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱.

۵. نشریه نامه ـعلم و دینـ، شماره اول، سال اول، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۷۶.

پایان نامه

۱. رجبی، ابوذر، تحلیل انتقادی استنتاج استعلایی در فلسفه نظری کانت، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹